

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۵۵ / سال ششم / بهمن ۱۳۹۵ / نشریه سندیکای کارگری ایران



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌های



پیام سندیکا

ماهانامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری
ایران کاری از کارگران سندیکایی
ایران، بر اساس منشور جهانی
سندیکاهای کارگری در راستای
تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر
۱۳۹۰/ چاپ تهران
(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۷

مبارزه اتحادیه های صنفی مستقل در راستای حقوق کارگران ایران ص ۴۳

گزارشی از خصوصی سازی یا نابودی صنعت ص ۴۸

نامه بیش از ۴۰ هزار نفر کارکنان صنعت نفت ص ۵۰

پیوستن ایران به مقاوله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار حرکت ص ۵۲

تأمین بودجه از کارگران ساختمانی ص ۵۴

گزارش آموزگار همبستگی کودکان کار ص ۵۵

شعر ص ۵۶

انتخابات و سندیکاهای کارگری ص ۵۸

عدم آموزش صحیح و کمی حوصله ص ۶۲

تختی نماد انسانی برای همه دوران ص ۶۴

فصل سرد در کارخانه خودروسازی فولکس و مبارزه کارگران ص ۶۸

دزدان واقعی و خیانت کاران به این سرزمین را بهتر بشناسیم! ص ۷۱

نظری بر پر نامه ششم توسعه ص ۷۲

فروش ارزان کلبه یک جوان ص ۷۳

اشتغال زنان ص ۷۴

یگانه! چرا اینجا کار می کنی؟ ص ۷۸

جان زحمتکشان طعمه آتش بی توجهی و سودجویی شد!

در آتش سوزی ۲۹ دیماه ۱۳۹۲ در خیابان جمهوری که به جان باختن دو کارگر خیاط زن منجر شد، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک طی نامه هایی به آقایان روحانی و وزیرکار ربیعی به قصور وزارت کار اعتراض کرد. در آن نامه ها به کوتاه بودن نردبان ها و باز نشدن نردبان های هیدرولیکی اعزامی به سانحه و همچنین مجهز نبودن آتش نشان ها به تجهیزات روز اشاره کرده بودیم.

پس از آن حادثه و اعتراض سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، آقای روحانی به عبدالرضا فضلی دستور رسیدگی داد. احمد مسجد جامعی از سوی شورای شهر تهران مامور رسیدگی شد. مجلس سیدمهدی هاشمی، مهرداد بذرپاش، علیرضا محبوب را مامور رسیدگی کرد. آنچه اتفاق نیفتاد آسیب شناسی حادثه و پیگیری مناسب بود.

آتش نشانی در تاریخ ۱۲ تیرماه ۹۲ به شماره اتوماسیون ۵۸۵۵۸۱ تذکر به رعایت ایمنی به ساختمان های مذکور داده بود، یعنی شورای شهر و شهرداری که روسای آتش نشانی بودند از این موضوع بی اطلاع نبودند.

آن همه دستور دادن ها با مرگ آتش نشان ها در فاجعه پلاسکو نشان داد که مسوولین به دنبال رفع مشکل نبوده اند.

سالهاست برج های ۳۰ طبقه در کوچه های ۶ متری در تهران رونمایی می شوند و شهرداری جز فروش تراکم، کاری دیگری نمی کند. سالهاست شهرداری و شورای شهر عوارض از کسبه پلاسکو گرفته اند و چشم به فرسوده بودن ساختمان بسته اند .

شهردار به وظیفه اش جهت رفع خطر از بناها طبق بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداریها و تبصره ذیل آن عمل ننموده است. و از همه فاجعه آمیزتر اینکه

شهرداری منطقه ۱۲ اخطاریه ۱۴ آبان ۱۳۹۳ به شماره ۵۰۷۰۴/۵/۱۲/۵ را که به مالکین پاساژ پلاسکو ارسال کرده و در آن یادآور شده است «... جهت رفع خطر و جلوگیری از بروز حوادث احتمالی..... مبنی بر خطرناک بودن محل مزبور ...» پی گیری نموده است؟

رونوشت این نامه به یگان حفاظت شهرداری منطقه ۱۲، مدیر منطقه ۵ عملیات آتش نشانی، شهردار ناحیه ۱ منطقه ۱۲، مسوول دفتر حوزه امور شهری و فضای سبز منطقه ۱۲، معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، مدیرعامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل، اداره کل بازرسی وزارت کار، فرمانداری تهران، مدیر هماهنگی امور اجرایی دفتر قائم مقام منطقه ۱۲، رییس اتاق اصناف تهران، کارشناس بند ۲۰ و مسوول آمار و اطلاعات ساماندهی منطقه ۱۲ فرستاده شده است. با وقوع این فاجعه معلوم می شود که این نامه نگاری ها فقط برای خالی نبودن عریضه و باری به هر جهت برای سازمان ها فرستاده می شود.

متأسفانه وزارت کار و وزارت بهداشت مسوولیت های خود را به خوبی انجام نداده و جهت پلمپ کارگاههای نایمن طبق ماده ۱۰۵ فصل چهارم قانون کار مصوب ۱۳۶۹ وارد عمل نشده اند، وگرنه این فاجعه رخ نمی داد.

« ماده ۱۰۵ - هرگاه در حین بازرسی، به تشخیص بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه ای، احتمال وقوع حادثه و یا بروز خطر در کارگاه داده شود، بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه ای مکلف هستند مراتب را فوراً و کتباً به کارفرما یا نماینده او و نیز به رئیس مستقیم خود اطلاع دهند .

تبصره ۱ - وزارت کار و امور اجتماعی، و وزارت بهداشت، درمان، و آموزش پزشکی، حسب مورد گزارش بازرسان کار و کارشناسان بهداشت حرفه ای از دادسرای عمومی محل، و در صورت عدم تشکیل دادسرا، از دادگاه عمومی محل، تقاضا خواهند کرد فوراً قرار تعطیل و لاک و مهر تمام

یا قسمتی از کارگاه را صادر نماید. دادستان، بلافاصله نسبت به صدور قرار اقدام، و قرار مذکور پس از ابلاغ قابل اجراست.

دستور رفع تعطیل توسط مرجع مزبور، در صورتی صادر خواهد شد که بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه ای و یا کارشناسان ذی ربط دادگستری، رفع نواقص و معایب موجود را تأیید نموده باشند»

سالهاست سندیکاهای کارگری منجمله سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بارها از وزارت کار خواسته است که بازرسی این وزارت فعال شود. چرا اجرای این خواسته برای وزارت کار ناخوشایند است؟ چرا باید از کارگران سود برده ولی برای ایمنی کارگران هزینه نشود؟

بی تردید وزیران کار، بهداشت، شهردار و شورای شهر تهران مقصرین اصلی این حادثه هستند.

ما ضمن تسلیت به خانواده های داغدار این زحمتکشان، پیمان می بندیم که این تخلفات را پیگیری کنیم و خون این عزیزان و دو کارگر خیاط زن سال ۱۳۹۲ را نگذاریم پیمال شود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳ بهمن ۱۳۹۵





تاریخ:
شماره: ۰۰۷۸۴/۰۱۲/۰۱
پوست: ۱۳۸۳/۰۱/۰۱

بسمه تعالی

به: مالکین محترم پاساژ پلاسکو واقع در خیابان جمهوری چهارراه استانبول

موضوع: اخطار به ایمنی

باسلام
با عنایت به مفاد بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری و تبصره ذیل آن مبنی بر تکلیف شهرداری برای اقدام لازم در جهت رفع خطر و جلوگیری از بروز حوادث احتمالی، به منظور ساماندهی وضعیت ایمنی مشاغل و صنوف برابر اعلام سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی مبنی بر خطرناک بودن محل مزبور بدینوسیله به شما ابلاغ می گردد در جهت رفع نواقص ایمنی مشهود به محض رویت این ابلاغیه با در دست داشتن مدارک (سند مالکیت، پایان کار ساختمان، آخرین برگ عوارض نوسازی ملک یا واحد تجاری) به واحد پیشگیری منطقه پنج واقع در میدان حسن آباد ایستگاه یک آتش نشانی (واحد پیشگیری و حفاظت از حریق) مراجعه و برابر دستور العمل ایمنی نسبت به ایمن سازی واحد خود و اخذ تاییدیه اقدام نمایید. بدیهی است در صورت عدم مراجعه و پیگیری موضوع و بروز هر گونه حادثه و ایجاد پیامدها و تبعات ناگوار ناشی از آن برای اهالی و ساکنین و بافت های پیرامون واحد مزبور، مسئولیت های عواقب و جبران خسارت وارده مستقیماً متوجه شخص جنابعالی خواهد بود.

معاون امور شهری و فضای
شهر استانبول

محمدتقی محمدتقی

۱۳۸۳/۸/۱۲
۱۳۸۳/۸/۱۲

رونوشت: فرمانده یگان حفاظت شهرداری منطقه ۱۲ - ترکمندی محمدتقی
مدیر منطقه ۵ عملیات سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی عطف به نامه ۸۵۸۶۶۷/۱۰۸۵۸۶۶۷ مورخه ۹۳/۸/۱۰ جهت اطلاع
شهردار ناحیه ۱ منطقه ۱۲ - سعید نوروزیان - جهت اطلاع و صدور دستور پیگیری تا حصول نتیجه
مستول دفتر حوزه امور شهری و فضای سبز منطقه ۱۲ - فرشید ایاز جهت اطلاع

معاونت پیشگیری از وقوع جرم فوه قضائیه-خیابان حافظ جنوبی خیابان جامی خیابان کسری
مدیر عامل محترم شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل شهر تهران
اداره کل یازوسی وزارت کار- خیابان آزادی بین خیابان خوش و یهودی

فرمانداری تهران - خیابان مطهری خیابان میرعماد نبش کوچه چهارم
مدیر هماهنگی امور اجرایی دفتر قائم مقام منطقه ۱۲ - محمدرضا دانشجو

جناب آقای قاضلی - ریاست محترم اتاق اصناف تهران واقع در خیابان شریعتی بالاتر از خیابان ملک جنب اداره



شهاد افشار مطلق شماره ۴۵۶

http://region12.tehran.ir

ناکارآمدی مسئولان نالایق و بی کفایت از زحمتکشان آتش نشان قربانی گرفت!

عدم انجام وظایف قانونی شهرداری تهران و وزارت کار در ایمن سازی ساختمان و کارگاه های دایر در آن علی الخصوص بی مسئولیتی شهرداری در تامین تجهیزات مناسب آتش نشانی موجب شد این بار ساختمان پلاسکو در قلب تهران با یک آتش سوزی به سرعت برق و باد فرو ریخته و آتش نشانان و مردم زیر آوار مدفون و جان باختند.

باید به شرایط شغلی آتش نشانان نگاه ویژه ای داشت. اصلی ترین خواسته ی بحق آتش نشانان پذیرفته شدن سخت و زیان آوری شغل پر مخاطره ی شان می باشد تاکنون از سوی شورای شهر و شهرداری تهران نادیده گرفته شده است و آتش نشانان معترض که آذرماه سال ۹۴ مقابل شهرداری تهران تجمع کرده بودند متأسفانه مورد تعقیب و آزار و اذیت مدیران شهرداری قرار گرفتند. ابراز همدردی های تبلیغاتی مسئولان از استرس و فشارکاری این زحمت کشان نمی کاهد، بنابراین ضروری است نسبت به بهبود شرایط شغلی آتش نشانان فداکار اقدامات عاجل انجام پذیرد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن محکوم کردن مدیران و مسئولان مقصر در این حادثه، با همکاران و خانواده های جان باختگان آتش نشان اعلام همدردی و همبستگی می کند و خواستار مجازات مقصران این واقعه تلخ و جانگداز می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سوم بهمن ماه ۱۳۹۵

واگذاری صندوق بازنشستگان فولاد با چه رویکردی؟

در سال های اخیر به دلیل مدیریتی دزد و بی کفایت در صندوق بازنشستگان فولاد و برداشت های غیرقانونی دولت از این صندوق، بازنشستگان فولاد با مشکل موضوع هزینه های درمانی و مستمری ماهیانه خود روبرو کرده است. این مشکل باعث گردیده که سالهاست این بازنشستگان برای دریافت حقوق های عقب افتاده و هزینه های درمانشان در مقابل مجلس و وزارت کار بارها و بارها تجمع اعتراضی داشته باشند.

در آخرین تجمع این بازنشستگان در مقابل مجلس توافق شد این صندوق بازنشستگی به صندوق بازنشستگی کشوری و یا وزارت کار منتقل شود. مجلس در جلسه چهارشنبه هفته گذشته خود مصوب کرد که صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد با حفظ هویت مستقل به وزارت کار انتقال یابد و تمامی اختیارات، تعهدات، دارایی ها از جمله اموال، سهام، امتیازات، موجودی، اسناد و اوراق به وزارت کار منتقل شود. این مصوبه باید توسط وزارت کار از سال ۹۶ اجرایی شده و در بودجه سال ۹۶ اعتبار لازم را دارا باشد.

به نظر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک هر چند این مصوبه تا حدودی نظر بازنشستگان را تامین کرد و از انحلال آن و یا ادغام در صندوق بازنشستگی کشوری جلوگیری نمود اما طی مدت سه سال کلیه تعهدات از طریق سازمان خصوصی سازی انجام می گیرد. حسابرسی و تامین اموال و فروش و انتقال به سازمان خصوصی سازی خواهد بود.

بازنشستگان ماهانه ۱۵۰ میلیارد تومان مستمری باید بگیرند که بی تردید تاخیر در این مورد و هزینه های پزشکی روبرو هستند و این مصوبه دردی را برای امروزشان دوا نخواهد کرد.

بی شک وزارت کار هیات مدیره ای را برای این صندوق منصوب خواهد کرد که هیچ دغدغه بازنشستگان را نخواهد داشت، تا روند فروش اموال و سهام و دریافت طلب از دولت را برنامه ریزی کنند.

صندوق بازنشستگان فولاد دیگر نخواهد توانست امکاناتی را که قبلن به بازنشسته های این صندوق تعلق می گرفت را تامین کند. و مهم تر از همه این که با فوت این بازنشسته ها کلیه اموال و دارایی های آنان به دولت داده خواهد شد.

این ترنند هم اکنون در کارخانه های تراکتورسازی و ماشین سازی تیریز در حال اجرایی است و بیمه آینده سازان که یک بیمه خصوصی است به بسیاری از تعهداتش عمل نمی کند و کارگران هم از شکایت های خود نتیجه ای نگرفته اند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک معتقد است که خصوصی کردن درمان کارگران و باز کردن شرکت های بیمه ای مانند آینده سازان، دست اندازی به صندوق های بازنشستگی کارگری جز غارت اموال کارگران در تامین اجتماعی و نابودی این سازمان و همچنین یورش به سلامت خانواده های کارگری نتیجه دیگری در پی نخواهد داشت.

ما به بازنشستگان صندوق فولاد و وزارت کار پیشنهاد می کنیم که هیاتی منتخب از بازنشستگان فولاد و وکلایشان بر تمامی این نقل و انتقال و دیگر مسایل حقوقی نظارت کامل کنند تا « سیه روی شود هرکه در او غش باشد»

سندیکای ما آمادگی لازم در پشتیبانی از کارگران فولاد در این طرح را دارد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۹ دیماه ۱۳۹۵

پیشنهاد برخی کارگران و نیروی کار پروژه ای ایران

به دولت و کارگران

Kmkoomk.wordpress.com بر گرفته از سایت کمک

با توجه به انتخابات آمریکا که نماینده سرمایه داران صنعتی فعال در آمریکا، به ریاست جمهوری انتخاب شد و با شعار درون گرایی ساختار نئولیبرالی را به چالش گرفته و به طبع آن دو حزب نئولیبرالیسم دموکرات و جمهوری خواه را از قدرت سیاسی کنار زده است، مناسبات اقتصادی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی (نئولیبرالیسم) بزرگترین حامی مالی و نظامی خود را از دست داد. با توجه به عدم توانایی این مناسبات در مهار رکود و تورم لحام گسیخته جهانی در این چند دهه و کم اثر شدن حتی ایجاد و تولید جنگ های مذهبی در جهان توسط عوامل امپریالیسم (ناتو) به خصوص در کشورهای نفت خیز ادامه سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی در ایران توسط دولت وقت، این امکان را تشدید می کند که "جزیره آرامش" منطقه، به گونه ای تصاعدی در روند لغزیدن به سوی بحران، سرعت بگیرد. بدین جهت اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران به همه کارگران قرارداد موقت و اقلیت دولتی پیشنهاد می دهد به جای پرداختن به جزییات و معلول ها و شعارهای مبارزاتی چون، اصلاح قانون کار، یا ادغام تامین اجتماعی در خدمات درمانی (سلامت) و یا شعار عدم توسعه مناطق آزاد تجاری - صنعتی، برای نفی آن مناسباتی مبارزه کنند که علت و عامل اصلی ایجاد این شیوه های ضد قانون اساسی و قانون کار ایران است. باز گشت به اصل ۴۴ قانون اساسی به تنهایی همه ی این معلولهای متنوع را که هر روز در یک فرم و شکل جدید منافع کارگران را به چالش می گیرد، نفی می نماید. نفی، سیاست های دور زدن قانون اساسی می باید به یک شعار بدل گردد تا این روند خرنده کودتای ضدقانون اساسی و قانون کار توسط دولت های پس از جنگ متوقف گردد.

باید از این طریق از دولت وقت خواسته شود واقع بینانه به روند فروپاشی مناسبات سرمایه داری مالی در سطح جهان بیندیشد و دنباله روی از سیاستهای اقتصادی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را که کشور را در رکود و تورم فروبرده، خود داری و بازنگری نماید. در حالی که مردم نزدیک به چهل سال است فریاد ضد امپریالیستی می کشند و بدین گونه نفرت خود را از دخالت های سرمایه داری امپریالیستی سر می دهند، دولت های پس از جنگ به سرکردگی جناب "سردار سازندگی" مناسبات اقتصادی امپریالیستی را در ایران کاربردی کردند، آن هم با قربانی کردن مهمترین اصول قانون اساسی و قانون کار ایران. ادامه این روند آن هم در حالی که این مناسبات کشور قدرتمند از نظر نظامی و اقتصادی جهان، امپریالیسم آمریکا را به زانو در آورده، و آنها را وادار نموده روی کردی به سوی اقتصادی درون گرا بنمایند، به وسیله دولت حاضر حیرت آور است و بیانگر ناآگاهی و تسلیم بی قید و شرط دولت مردان در برابر مشاوران ارشد اقتصادی و فراماسیونی است که ایران را در جهتی هدایت می کنند که به خاورمیانه "بوش" تبدیل شود. (جنوب نفت خیز ایران با جنوب شیعی عراق و بخش شیعه نشین عربستان، کشور جدید و کوچکی بنام عربستان ایجاد کنند، که نفت را برای همیشه در مشت آمریکا قرار دهد. با ترفند حمایت نظامی و تسلیحاتی و سیاسی از جنگ شیعه و سنی در خاور میانه)

در حالی که نئولیبرالیسم در کشورهای بزرگ امپریالیستی اتحادیه اروپا هم با شکست مواجه شده و بحران رکود و تورم ساختار این اتحادیه رابه شدت به چالش گرفته است. دولت مردان در اروپا به پیروی از پدر خوانده ی کدخدای مستبد "دهکده جهانی" ش عمو سام، بار این روند شکست و فروپاشی را به دوش کارگران و همه ی مردم زحمتکش انداخته اند. همان گونه که دولت های پس از جنگ در ایران ریاضت اقتصادی را به گونه ای خزنده به ملت ایران تحمیل کردند. انتخابات آمریکا در عمل، گردش به سوی اقتصاد درون گرا را تأیید کرد، عوارض عملی شدن آن، با سرکار آمدن ترامپ، دنیای

نئولیبرالیستی را به شدت دچار بحرانی ژرف تر خواهد کرد و همه ی دنیا را به چالش می گیرد. در این شرایط که بحران جهانی نئولیبرالی نمودی عینی دارد باز وزیر کار ایران از پس گرفتن لایحه اصلاح قانون کار خودداری می کند و تلاش می کند این لایحه ی ضد قانون اساسی ، ضد کارگری در مجلس مورد بررسی قرار گیرد، آنهم در حالی که دولت در شکل تظاهر به مناسبات "اقتصاد مقاومتی" می کند ولی در عمل، برنامه کابردی ش همچنان گسترش مناطق آزاد تجاری - صنعتی و تداوم مناسبات نئولیبرالی در کشور است. دولت مدافع سرمایه داری مالی (دلالی وطنی) قصد ندارند با واقعیت ها زندگی کند. بدین جهت می باید با فشار از پایین این ساختار دلال پرست را وادار به باز گشت به اصول قانون اساسی نمود. چگونگی این فشار از پایین را می باید سندیکاهای مستقل کارگران و شوراهای اسلامی کار در یک نشست مشترک مورد بررسی قرار دهند. تا کارگران آستین ها را بالا نزنند و وارد گود مبارزه با استثمار تصاعدی نشوند دلال ها هرگز به عقب نشینی نمی کنند. از سوی دیگر، کارگران بیکار هم می باید در یک اتحادیه بزرگ سراسری متحد شوند و به این روند بازگشت به قانون اساسی و آزادی های سیاسی کمک نمایند. تنها در این صورت دولتمردان برای کسب آرای که بتوانند اهرم قدرت را مجدداً در دست بگیرند، گامی به سوی منافع مردم بر خواهند داشت.

دولت بر اساس وظایفی که قانون اساسی به عهده اش انداخته می باید نمایندگی همه مردم را به عهده بگیرد، نه مانند همه دولتهای پس از جنگ تنها نماینده سرمایه داری دلالی باشد و به جای حمایت از منافع همه مردم هر روز چند شرکت منپاوری (واسطه گری) را به جای حمایت از تولید و اشتغال به دامن جامعه و کارگران بیندازد. امروز یک کارگر ساده برای یافتن یک کار زیر حداقل حقوق، می باید هر بار حداقل ۵۰۰ هزار تومان به واسطه کار پرداخت کند. چون دولت تصور می کند این شیوه ای ابودر گونه است!!!!

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران سخن گو ناصر آقاجری ۱۲ دیماه ۱۳۹۵



اینداستریال عملکرد شرکت خاخی نیروژی در یمن و اقدام آن برای فعالیت در صنعت نفت ایران را افشا کرد!

*یمن اموال شرکت نیروژی الاصل «دی ان او» را بعلت عدم پرداخت حقوق
کارگران مصادره کرد*

۱۵ دسامبر ۲۰۱۶ – اتحادیه جهانی اینداستریال

مراجع یمنی اموال و دارایی های شرکت نفتی نیروژی «دی ان او» را پس از ترک غیرقانونی این کشور مصادره کردند. اتحادیه اینداستریال خواستار شده است که حقوق و مزایای معوقه کارگران که بیش از یک سال، از ماه ژوئن سال ۲۰۱۵ تا کنون، به تاخیر افتاده است، از محل اموال ضبط شده پرداخت گردد.

در ماه اوت ۲۰۱۶ (مرداد ماه ۱۳۹۵) مقامات یمنی به شرکت ابلاغ کردند در صورت عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران، اموال و دارایی هایش مصادره خواهد شد. شرکت علیه تصمیم دادگاه فرجام خواست، معهداً در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۶ رای نهایی دادگاه بسود ۱۷۵ کارگر صادر شد. طبق اظهارات

اتحادیه کارگران یمنی «دی ان او» ، این شرکت همان روز، بدون تحویل رسمی حتا بخشی از اموال دارایی های خود در یمن، کشور را ترک کرد. شرکت «دی ان او» تاکنون از پرداخت بدهی های معوقه خود به کارگران سرباز زده است. اکنون مقامات یمنی دارایی ها، حساب بانکی و وسائل نقلیه شرکت در این کشور را ضبط کرده اند.

«دی ان او» یک شرکت نفتی نروژی است با گردش مالی سالانه ۱۷۰ میلیون دلار که حدود ۱۰۰۰ کارگر در استخدام خود دارد. پس از شروع جنگ داخلی یمن در ماه مارس ۲۰۱۵ شرکت فعالیت هایش را متوقف کرد. و چند ماه بعد در ماه ژوئن شرکت از طریق پیامک و ایمیل اخراج کارگران را، بدون اینکه هیچگونه خسارتی به آن ها پرداخت کند، چه رسد به حقوقشان را بدهد، به اطلاع آن ها رساند.

این شرکت نسبت به شرکتهای نفتی دیگر در کشور کمترین دستمزد را می پرداخت. در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ چند اعتصاب برای افزایش دستمزد صورت گرفت. مدیریت شرکت طی نامه تهدید آمیز، در نقض حق کارگران به اعتصاب در طلب خواسته خود بر طبق قوانین یمن ، کارگران اعتصابی را به اخراج تهدید کرد.

«دی ان او» در کشورهایی مثل عراق، تونس، سومالی، عمان، امارات متحده عربی و تا این اواخر در یمن سرمایه گذاری کرده است.

اتحادیه کارگری اینداستری انرژى نروژ، که عضو فدراسیون سندیکای بین المللی اینداستریال است، پس از آگاهی از رفتار شرکت «دی ان او» با کارگران یمنی اعتراض خود را در سطح نروژ و بین المللی ابراز داشت. لیف سند، رئیس اتحادیه اینداستری انرژى، در روزنامه تجاری داگنز نایرگسیو اعلام کرد که «رای دادگاه برای مصادره اموال و دارایی های شرکت «دی ان او» کاملاً درست و عادلانه بوده است».

در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶ شرکت «دی ان او» طی نامه ای مراتب اشتیاق خود را برای شروع فعالیتهای اقتصادی با ایران ابراز میکند. پس از انتشار عمومی این خبر اتحادیه ایداستری انرژی نروژ با فرستادن یک نامه رسمی به شرکت ملی نفت ایران ضمن تقبیح رفتار ناشایست و سومدیریت شرکت دی ان او در یمن، در باره همکاری با این شرکت به آن ها هشدار داد.

کمال اوزکان، معاون دبیر کل اتحادیه بین المللی اینداستریال، ضمن حمایت خود از کارگران یمنی گفت ” آنچه شرکت «دی ان او» در یمن انجام داده است، یعنی ترک کشور به هنگام جنگ و نپرداختن حقوق کارگرانی که بیش از ده سال برایشان کار کرده اند، ننگ آور است. ما همگام با اتحادیه اینداستری انرژی که عضوی از فدراسیون ما می باشد از پای نخواهیم نشست و با همه توان می کوشیم با زیر فشار قرار دادن این شرکت تا آخرین ریال بدهی معوقه کارگران یمنی را باز پس ستانیم”.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن حمایت از برادران و خواهران یمنی خود اقدام شرکت نروژی را غیر اصولی و ضدکارگری و مخالف مقوله نامه های سازمان بین المللی کار می داند. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک همچنین سپاس ویژه خود را از فدراسیون اینداستریال و اینداستری انرژی نروژ جهت اطلاع رسانی این تبهکاری در حق کارگران یمنی ابراز می دارد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

اطلاع رسانی به رییس جمهور در مورد یک شرکت نفتی کلاهبردار

نامه ارسالی به رییس جمهور را به دلیل اینکه دفتر ایشان از پذیرفتن نامه خودداری می کنند برایشان پست کردیم. رونوشت نامه به رییس جمهور را هم به وزارت نفت برده و تحویل دبیرخانه داده ایم که فیش های پایین موید این موضوع است. در ضمن در روز ۱۴ دیماه هم خبرگزاری ایلنا نامه را بطور مختصر منتشر نمود:

ریاست محترم جمهور، آقای دکتر روحانی،

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اخیراً از طریق فدراسیون سندیکایی جهانی کارگران «اینداستریال» مطلع شده است که شرکت نروژی D N O که پیش از این در میدان های نفتی یمن فعال بوده است، بدون پرداخت حقوق کارگران جنگزده یمنی این کشور را ترک نموده و طی نامه ای در روز ۱۶ نوامبر ۲۰۱۶ به شرکت نفت ایران، اظهار تمایل کرده است که در حوزه نفت و گاز در ایران فعالیت کند.

سندیکای ما همچنین اطلاع دارد که اتحادیه کارگری «اینداستری انرژی» نروژ نیز طی نامه ای به شرکت نفت ایران رفتار ناشایست، غیرقانونی، و سودجویانه مدیریت شرکت D N O در یمن را به اطلاع مدیران شرکت نفت ایران رسانده است.

به باور ما شایسته نیست که شرکت هایی نظیر D N O که در منطقه به عملکرد ضدکارگری و سودجویی غیرقابل قبول متهماند، دامنه عمل خود را به کشور ما گسترش دهند.

لذا ما ضمن ابراز همبستگی با کارگران جنگزدهٔ یمنی و محکوم کردن رفتار غیرانسانی و تبهکارانهٔ شرکت D N O، از شما درخواست می‌کنیم که برای حفظ منافع ملی و کارگری ایران به وزیران و مقام‌های مسئول دستور دهید که از پذیرفتن این شرکت در ایران و هرگونه مذاکره با این شرکت ضدکارگری خودداری کنند.

مازیار گیلانی نژاد

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

دی ماه ۱۳۹۵

رونوشت به وزیر نفت آقای بیژن نامدار زنگنه



سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

تاسیس ۱۳۳۹

ثبت وزارت کار ۳۴

بازگشایی ۱۳۸۴

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن:



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

قلب کارخانه ذوب آهن اصفهان با نام بخش کوره بلند شماره ۲ گره خورده است. کارگران پر تلاش این قسمت که به استخراج مواد مذاب و کنترل و هدایت مذاب ها به سوی پاتیل ها مشغول کارند. همچنین بخش تعمیرات آن نیز از اهمیت خاص برخوردار می باشد، تعمیر و نگهداری شیرهای مربوط به سیالات، نظارت بر خنک کننده ها، تعمیر و نگهداری تجهیزات مربوط به اکسیژن، گاز، هوا، ازت را نیز از جمله آن می باشد.

متأسفانه سختی این بخش با دستمزدهایش همخوانی ندارد. افراد پس از چندی به دلیل سختی کار از این بخش به بخش های دیگر خود را منتقل می کنند. در حال حاضر ضرورت بازنگری در چارت سازمانی به دلیل انتقال افراد با تجربه و آموزش افراد جدید با توجه به سیستم بارگیری جدید کوره بلند شماره ۲ این سیستم از ضروریات است.

متأسفانه نه تنها در این بخش بلکه در کل کارخانه نمایندگانی که بتوانند از حقوق کارگران دفاع کنند و یا بخواهند سندیکای کارگری ایجاد کنند، به دلیل اخراج از کار وجود ندارند.

طبقه بندی مشاغل ، در نظر نگرفتن سختی کار افراد این بخش با استراحت متناسب در کارخانه ذوب آهن صورت نمی گیرد و ضایعات جسمی وارده جبران ناپذیر بوده و بیشتر افرادی که در این بخش کار می کنند بعد از بازنشستگی با بیماری های گوناگون تا آخر عمر دست به گریبان هستند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از توانایی کارگران ذوب آهن اصفهان:

ساخت جک هیدرولیک جهت ضربه گیری قلاب و صفحه محذب واگن ها باکمترین هزینه و ضریب ایمنی زیاد و کاهش خطرات احتمالی در کوتاه ترین زمان به دست توانای کارگران بخش تعمیر تجهیزات نصب و راه اندازی شد.

کارگران و متخصصین ذوب آهن بارها ثابت کرده اند که این توانایی را کسب نموده اند که بخش عمده تجهیزات ذوب آهن را می توانند بسازند و در کمترین زمان و هزینه راه اندازی کنند.

سوال اینجاست : چرا شرکت به این توانایی ها اطمینان نمی کند و دست دلالان را از خرید قطعات بی کیفیت خارجی کوتاه نمی کند؟

کارگران و متخصصینی که در ساخت شرکت کرده و هزینه و زمان را برای شرکت کاهش داده اند چقدر پاداش و مورد تشویق مادی و معنوی قرار گرفتند؟

برای ارتقا دانش فنی این کارگران و متخصصین چه اقدامی شده است تا دیگر قطعات را نیز بومی سازی کرده و دست دلالتان را کوتاه کرد؟

برای موضوع سختی کار، بیماری های پس از بازنشستگی این متخصصین و کارگران چه تدابیری در نظر گرفته شده است؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران ذوب آهن:

۱- دلیل تاخیر در اعلام نتایج معاینات طب صنعتی چیست؟ آیا نمی توان مرکز و تعداد پزشکان را افزایش داد تا زمان برای اعلام نتایج کوتاه تر شود و کارگران زودتر از وضعیت جسمانی خود با خبر شوند؟

۲- چرا در رابطه با انتقال بیماری های تنفسی از طریق دستگاه اسپرومتری طب کار هیچ اقدامی صورت نمی گیرد؟

۳- گاهی اوقات رانندگان سرویس ها برخورد خوبی با کارگران ندارند. چرا رسیدگی نمی شود؟

۴- کارکنانی که شیفت آنها توسط مدیریت تغییر می کند برای رفت و آمد با مشکل روبرو هستند. تا کی باید این مشکل حل نشده باقی بماند؟

۵- در روزهای تعطیل که کارگران و کارکنان مجبور به اضافه کاری هستند هیچ برنامه ای برای رفت و آمد این افراد در نظر گرفته نشده است چرا؟

۶- مسیر بهارستان با توجه به تعداد زیاد مسافر و مشکلات روزهای تعطیل در وضعیت خوبی نیست. مسوولین سریع رسیدگی کنند.

گزارش از مشکلات کارگران نسوزکار ذوب آهن اصفهان:

۱- کارگران نسوزکار با داشتن سابقه زیاد کاری متاسفانه از عدم تطابق مدرک تحصیلی با کار مربوطه از گروه و سمت شغلی پایین رنج می برند و خواهان تغییر این وضعیت هستند.

۲- سختی کار این کارگران پس از شش سال هنوز محاسبه نشده و گروه و سمتی که برای این کارگران در نظر گرفته شده چراموردبازنگری قرار نمی گیرد؟

۳- کار سخت و خطرناک برای کارگری با مدرک دیپلم و سابقه ۲۹ ساله با گروه ۴ در نظر گرفته شده است. این چگونه عدالتی است؟ آیا مدیران چنین رفتاری را با بستگان خود می کنند؟

۴- کار سخت، روابط کاری غیر صمیمانه با کارگران این بخش و تعلق نگرفتن پایه و گروه مناسب شغلی با کار نسوزکاری از دیگر مشکلات کارگران این بخش است.

۵- یکی از خواسته های مهم کارگران بعد از موضوع سختی کار ، کمی نفرات نسبت به ادوات ایمنی و نداشتن محیط کاری آرام است که باید مدیریت در این مورد تلاش کند.

۶- کارگری با داشتن لیسانس و ۱۲ سال سابقه و تخصص نسوز هنوز موقعیت شغلی در خوری نداشته و این درحالی است که افرادی بدون داشتن تخصص و سابقه دارای سمت و گروه در این بخش هستند. پارتی بازی تا کی؟ و بازی کردن با جان کارگران و متخصصین با این گونه افراد بی تخصص و بی دانش احتمال صدمات جسمی را زیاد کرده است. مدیریت جوابگوی این موارد است.

۷- سختی کار، سنوات، گروه مناسب با این شغل، بررسی بیماری های این شغل به ویژه پس از بازنشستگی ، استراحت مناسب با این شغل از اهم خواسته های کارگران است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پارس جنوبی



درود بر تمام کارگران ایران زمین

از تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۹ کارگران شرکت ساختمان نصب در پالایشگاه ستاره خلیج بندرعباس برای دریافت دستمزد عقب مانده کارگريشان که از شهرپور تاکنون پرداخت نشده است دست به اعتصاب گسترده زده اند و هنوز هم این اعتصاب ادامه دارد.

در این میان کارگران خشمگین شرکت شریان گستر نیز که از گستاخی مدیرعامل شرکتشان به ستوه آمده بودند به دفتر رییس شرکتشان جناب غلامحسینی هجوم بردند و او را کتک زدند.

کارگران فعال شرکتهای آباد راهان، تهران جنوب، دریا ساحل، ساختمان نصب و..... همه در راستای حقوق کارگری تلاش می کنند؛ ولی جز سرکوب، بلک لیست و اخراج هیچ جوابی نگرفته اند و کارفرمایان گستاخ و حراست فقط در جهت سرکوب اعتصابات تلاش می نمایند و هنری از آنان بر نمی خیزد که جوابگوی کارگران باشند.

وارتان خرمدين عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از بندرعباس:

پالایشگاه بندرعباس به دلیل امکانات نامناسب کمپ شهید حاجبی و نبود آب و وضعیت غیر بهداشتی و بی‌اعتنایی به وضعیت رفاهی و حقوقی کارگران در سال ۱۳۹۴ دو بار مورد هجوم و اغتشاش کارگران واقع شد که در این میان، بیشتر وسایل کمپ آسیب دیده و پای پلیس امنیت نیز به میان کشیده شد و بسیاری از کارگران را به جرم سیاسی دستگیر کرده و اعاده خسارت نمودند. و هنوز این مشکل رفع نگردیده است.

در بندرعباس مانند اسکله شهید رجایی و اسکله جدید شهید باهنر که نزدیک پالایشگاه می‌باشد نیز اصلن به وضعیت حقوقی و رفاهی کارگران رسیدگی نمیشود و بسیاری از کارگران می‌گویند که ما در ماههای خرداد، تیر، مرداد و شهریور آنجا کار کرده ایم و هنوز دستمزدهایمان را به ما نداده‌اند. در جواب این کارگران که درخواست طلب دستمزدشان می‌نمایند؛ پیمانکاران به آنها می‌گویند که هنوز شرکتها به ما پول نداده‌اند.

به راستی ما نمیدانیم که مگر اینها انسان نیستند و خودشان مگر زن و بچه ندارند و خرج، قسط وام و بدهکاری‌ها و وضعیت گرانی و تیغ زدن را نمی‌بینند؟! مگر آنها انسان نیستند که ذره‌ای درک و شعور را بر سود و نفع شخصی ترجیح دهند؟! مگر روزانه پالایشگاههای نفت میلیونها بشکه را از مسیر آبهای گرم خلیج فارس نمی‌فروشند؟! با پول این نفت و گاز که سرمایه ملی است پس چه میکنند و به جیب چه کسانی میرود؟! مگر ما کارگران با دستنمان و لحظه‌های زندگیمان همه وجودمان را فدای ساخت پالایشگاهها و پتروشیمی‌ها نمیکنیم؟!

ایا صاحبان سرمایه از خود پرسیده‌اند که پالایشگاهها را چه کسانی ساخته‌اند؟! گرماهای شرجی و ده ساعت کار طاقت فرسا را فراموش کرده‌اند؟! وجدان کاری کارگران را فراموش کرده‌اند؟! افرادی که به آنها ستم میشود همه ایرانی هستند و وطنشان و سرزمینشان را دوست دارند و انتظار اینهمه بی‌مهری را از سردمداران حکومتی ندارند که حقوق آنها را نادیده بگیرند.

ما کارگران ایران زمین خواستار درست شدن وضعیت حقوقی خودمان هستیم و ادامه این سیستم نابسامان حقوقی و اقتصادی به زیان خود حکومت و سرزمینمان ایران تمام خواهد شد، چرا که نابودی خانواده‌های کارگران کاملن

به دور از انصاف هست و هیچوقت تاریخ عاملین این نابودی را نخواهد بخشید... به امید آنکه سفره کارگران سرزمینمان پر از رونق همیشگی باشد

شام کارگران پارس جنوبی عسلویه، شرکت ساختمان و نصب پتروشیمی بوشهر

کارگرانی که روزی ده ساعت تمام در محیطهای پروژه ای نفت و گاز کار می کنند و شرایط نابسامان محیط کار و آلودگیهای ناشی از محیط مواد سمی، تندرستی آنان را به خطر می اندازد بایستی نسبت به تغذیه و خوراک آنان توسط کارفرما توجه کامل گردد تا این صنعتگران زحمتکش که با تمام وجودشان در خدمت تولید هستند و مواد طبیعی خام را با هنر انسانی و اراده خویش به صنعت ملی تبدیل می کنند؛ از تغذیه خوبی برخوردار بوده و سزاوار این گونه بی مهری ها نیستند.

متأسفانه نمیدانیم که چرا ارزشهای انسانی را در فقط در قبال سود می فروشند و از آزار دادن کارگران لذت می برند. آیا رؤسای شرکتهای و مسؤولینی که این چنین حقوق کارگران را فقط برای خود پارو می کنند حاضر هستند که خودشان در قبال کار سخت و بی مزد و غذای بدور از کیفیت و مسموم را بخورند؟! یادم می آید یکی از دوستانم که در فاز ۱۷، ۱۸ پارس جنوبی عسلویه بعنوان کارگر استخدام شده بود بعد از چند سال توانست با عنوان مدرک فوق لیسانس به عنوان مهندس توانست سمت شغلی خود را عوض کند و از کمپ کارگری به قسمت مهندسی شرکت انتقال داده شد. این مهندس وقتی که هفته های اول کاری خود امکانات رفاهی و همچنین رستوران شیک قسمت کارفرما را می دید بی اختیار به یاد بی توجهی نسبت به کارگران زحمتکش پارس جنوبی، گریه می کرد.

تصویر زیر گویای تمامی ستمهایی است که کمترین حقوق قانونی ما که تهیه خوراک بهداشتی و با کیفیت هست همچنان به مضحکه سرمایه داری درآمده است.

گزارشی از وضعیت کارگران در مناطق نفت خیز

سرمایه داری حاکم بر مناطق نفتی با ایجاد وضعیت غیربهداشتی و مضحك در رابطه با غذای کارگران، شخصیت و منش آنان را لکه دار می نماید.

در هنگامی که در پالایشگاه بندرعباس کارگران شرکت ساختمان و نصب بخاطر ۴ ماه دستمزد عقب مانده شان اعتصاب می نمایند تا شاید با اهرم فشار بر شرکت و کارفرما پولهایشان را زنده نمایند؛ واکنش کارفرما این می شود که در روزهای ۱۶ و ۱۷ ادی شرکت را تعطیل میکند و به کارگران ژتون غذا هم نمی دهد و در نهایت با پرداخت دستمزد شهریور ماه تعداد ۷۰۰ نفر از کارگران را تصفیه و بلك لیست می نمایند.

در پتروشیمی بوشهر پول مساعده به کارگران نمی دهند و سرپرست اجرا با گستاخی نکبت بارش می گوید: «پول نیست و اگر پول می خواهید و از این وضعیت پول ندادن ناراضی هستید بهتر است تسویه نمایید و بروید.»

شرکت پایندان فاز ۱۳کنگان که هیچ حساب و کتابی ندارد و پیمانکارش آقای سلحشور هم در قبال پول برای تأمین نیروی انسانی پروژه که از شرکت میگیرد کمترین حقوق را همراه با فشار کاری و بدون مزایا به کارگران می دهد، پول بیمه را کم می کند و هزینه وسایل مصرفی مانند شیلد یا ماکس سنگ زنی و... را که جزو ابزار ایمنی کار هست و باید برای کارگر فراهم نماید را از دستمزد کارگران کم می نماید.

کارگران آواره و سرگردان بدنبال کار هستند و سهم ما از ثروتهای افسانه ای نفت فقط تحقیر و اعتصاب، تسویه و بلك لیست میباشد.

گزارشی از بی پناهی کارگران پروژه ای:

اصطلاحی که تمامی کارگران پروژه های نفت و گاز کشورمان ایران با آن آشنا هستیم اصطلاح (ریزش نیرو) هست که همچنان در این آشفته بازار سرگردانی و دلالی کارفرمایان که هر ریال درآمد به جان خسته مان گره خورده است استرس و فشار روانی را برایمان نوید میدهد... ترس از بی پولی و قرض، ترس از اینکه تمام برنامه های آینده نگری مان بهم میخورد و برای لقمه نانی چگونه بایستی به فلاکت و دربدری بیکاریمان خوی بگیریم و اینکه چگونه ارزش وجودی خود را از یاد می بریم؛ چرا که پیشینیانمان در قالب پند گفته اند که شوهر مرد بی پولی است... حال که با کار بی مزد و جنگ بر سر دستمزدمان خود را مشغول میکرده ایم و به نوعی جوابگوی خانواده بودیم که آخرش پولمونو میدن و قرض میگردیم تا در زمان مناسب بدهکاریهایمان را پرداخت میگردیم... حال در این اوضاعی که کار نیست و همه بدنبال کار هستند ببینید برای کارگران زحمتکشی که بی سر و صدا از شرکتها تسویه و ریزش میشوند و پولشان را هم نقد به آنها نمیدهند چه آشفتهگی برای خود و خانواده هایشان بیار می آورند؟!... یانگ تسویه حسابهای بیصدا پدیده ای شوم در محیطهای کارگری است که مجال بردباری به کارگر سرخورده را نمیدهد و عقده های دراز مدت خود را که هیچ پناهگاه کاری و شغلی ندارد و فقط در ازای کار تمام وقت بی مزد او را می خواهند پیشکش تمام چپاولگران حقوقی خود می نماید... او با تمام منابع قدرت بیگانه خواهد شد و سر در لاک تمام بی خبریهایش، راه دراز خویش هموار می نماید و به سوی پناهگاهی تمام برای تمام آرزوهایش حرکت خواهد کرد.

وارتان خرمدين عضو سندیکای کارگران

فلزکار مکانیک ایران ۱۳۹۵/۱۰/۲۸



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از نیشکر هفت تپه:

پس از دو روز اعتصاب امروز ۸ دیماه حدود دویست نفر از کارگران بازنشسته شرکت نیشکر هفت تپه جهت دریافت سنوات پایان خدمت خود جلوی ساختمان تجمع کردند. با حضور مدیریت شرکت، هیاتی از سازمان خصوصی سازی و استانداری خوزستان جهت بررسی مشکلات کارگران و موضوع دریافت سنوات به این شرکت مراجعه کردند. ساعت ۴ بعد از ظهر جلسه ای با کارگران متحصن برگزار کردند. پس از اطلاع از مشکلات کارگران هیات اعلام کرد در صورتی که خریداران شرکت به پرداخت سنوات و بدهیهای شرکت به کارگران در دو ماه آینده اقدام نکند، واگذاری شرکت به بخش خصوصی لغو خواهد شد. طبق شرایط مناقصه در صورتی که مالکین نتوانند حدا در مدت ۵ سال به تعهدات خود عمل کنند سلب مالکیت خواهند شد. و چنانچه پس از ۵ سال شرکت در صورت پرداخت بدهی ها و رضایت سازمان خصوصی سازی بصورت قطعی واگذار خواهد شد.



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو :

با توجه به متوقف شدن تولید ۴۰۵ در ایران خودرو از طرفی، و افزایش تولید خودرو دانگ فنگ چینی، و با توجه به اینکه، بدنه ی دانگ فنگ به صورت خام از چین وارد شده و در شرکت مونتاژ می شود، سوال این است که : آیا تولید این محصول برای شرکت ایران خودرو صرفه ی اقتصادی دارد یا خیر؟ آیا اینگونه مونتاژ منجر به آمدن فن آوری نوین به کشور خواهد بود؟

خط تولید سمند و دنا که ملی و داخلی هستند، تک شیفت شده، و به تبع آن قطعه سازان و کارگران مربوطه دچار بحران کار خواهند شد و بیکاری گریبانشان را خواهد گرفت. آیا این شیوه مدیریت باعث رونق اقتصادی خواهد شد یا به بیکاری در جامعه دامن خواهد زد؟

آیا سیاست مدیریت ایران خودرو و کلان جامعه باید بستر سازی برای قطعه سازان چینی فراهم کند؟ و چینی ها بتوانند با این سیاست بازار بکر و خوبی را برای خود دست و پا کنند؟

چینی ها برای کارگزارانشان کار فراهم می کنند، مدیران ما چه؟ بیکاری باید نصیب کارگر ایرانی باشد؟

امیدواریم مسوولین و هیات مدیره ، در تصمیمات خود تجدید نظر کنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از واگذاری تعمیرگاه آزادی:



۹۵ درصد رانندگان تاکسی تهران دارای خودرو از شرکت ایران خودرو می باشند. متأسفانه در یک اقدام سوال برانگیز این تعمیرگاه که مرکزی برای رفع مشکلات رانندگان تاکسی بود در اختیار ایر تویوتا قرار گرفت.

از روزی که موضوع جایگزین شدن خودروهای فرسوده رانندگان تاکسی در دستور کار قرار گرفت، مسولین تاکسیرانی و تعاونی رانندگان تاکسی اقدام به وارد کردن خودروهای خارجی گرفته که خودرو آریو و تویوتا از آن جمله اند. به گفته رانندگان تاکسی بیشتر رانندگان تاکسی تهران از محصولات ایران خودرو استفاده می کنند. چرا بخاطر چند دستگاه خودروی تویوتا تعمیرگاه آزادی در اختیار ایر تویوتا قرار می گیرد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات رانندگان تاکسی فرودگاه:

با درود به شما و تمام وطن پرستان و انسانهای شریف

با آمدن مافیای رانت خوار در تاکسی رانی تهران و بخصوص شرکت های پیمانکاری که تاکسی های فرودگاه را به برده های خود تبدیل کرده اند، برای نابودی رانندگان تاکسی با ترفندهای گوناگون اقدام می کنند.

با وارد کردن خودروهای خارجی و فروش آن با رانندگان تاکسی با مبلغی بیش از ۳ برابر قیمت و قسط‌های آنچنانی برای آنکه این رانندگان بتوانند اقساط خود را پرداخت کنند دست به ترفند نوبت ندادن به رانندگان سمند کرده اند تا آنان نیز واردار شوند از خودروهای وارداتی بخرند.

آمار ۴۸ ساعت انتظار برای نوبت و یا ۲۵ ساعت یک سرویس مربوط به نحوه کار تاکسی‌های سمند در فرودگاه بین‌المللی تهران می‌باشد که مجدداً نقشه جدیدی برایشان کشیدند و با تغییر چیدمان تاکسیها و دور کردنشان از دید مسافر باعث گردیدن تا خودروهای سمند برای گرفتن مسافر ۲۵ ساعت وقت صرف کنند. به این ترتیب رانندگان تاکسی سمند ساعتی شانزده سنت درآمد خواهند داشت به این می‌گویند خصوصی سازی و برده شدن رانندگان تاکسی و پوست کندن رانندگان تاکسی ای که نخواهند به برده شدن تن بدهند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از سو استفاده های مدیران تاکسیرانی:

هزاران همکار گردشی_خطی_تلفنی باید هزینه سواستفاده های مدیریت را به پردازند. چرا؟ در کجای دنیا راننده تاکسی از دلال خودروی وارداتی خریده؟؟ خودروهایی که به رنگ تاکسی درمی‌آیند، بدون آنکه تاکسی از رده خارج بشود وارد ناوگان تاکسی می‌شوند.

آقای مدیر سازمان بدون مجوز شما آیا تاکسی پلاک می‌شود؟ جای سؤال است. آیا جریانی در کار نیست؟ با آگاهی از خیانت آقایان در جریان خرید ماشین های سواری آریو و خنجر زدن از پشت به رانندگان کم بود حالا مدیریت با تشکیل کار گروه مجوز برای خودروهای وارداتی میدهد.

آیا این حرکت شما که مدیریت و نظارت می‌باشد؟ مودت و دوستی شما با مدیریت تعاونی تاکسیرانی نمی‌باشد؟ شاید هم جریاناتی در کار است که به سود طرفین است؟

چرا در واگذاری تعمیرگاه آزادی مدیریت نمی‌کنید که به ضرر رانندگان تاکسی است؟ باید هر سال در مورد بیمه رانندگان تاکسی اعتراضاتی بشود؟

هنوز در مورد بیمه به حق و حقوق خود نرسیده ایم. تمام این جریانات با توجه به همکاری شما با تعاونی جای سؤال فراوان است؟ سازمان تاکسیرانی و تعاونی تاکسیرانی مافیایی که به جان رانندگان افتاده اند و به هیچکس هم پاسخگو نیستند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه عظام قم:



شرکت قطعه سازی عظام در شهرستان قم واقع شده است. این شرکت تولید کننده چراغ چک سمند می باشد. این محصول آنقدر بی کیفیت است که هر ماشین سمندی که این قطعه بر رویش نصب است پس از خروج از ایران خودرو می باید برای تعویض اش اقدام کند. شرکت ایران خودرو به دلیل عهد اخوتی که با این شرکت دارد از نصب این قطعه بی کیفیت بر روی ماشین های سمند خوداری نمی کند. مدیریت ایران خودرو، وزارت صنایع و سازمان استاندارد باید جوابگوی این اجحاف در حق خریداران باشند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از آلودگی هوا:



مسوولین می گویند: یکی از مهمترین آلاینده های هوای تهران تردد ۳ میلیون موتورسیکلت است که ۲۰ درصد آلودگی هوای تهران را تولید می کنند.

می دانیم که ۳ میلیون موتورسوار برای جابجایی خانواده و همچنین درآمد خانواده از موتورسیکلت استفاده می کنند که برخورد دولت با آنان نامناسب و حذفی است.

سندیکاهای کارگری معتقدند که توقیف موتورسیکلت به جز دردسر برای موتورسوران هیچ دردی را درمان نمی کند و صورت مسئله همچنان خودنمایی می کند.

ما پیشنهاد می کنیم که دولت باید با راه اندازی تولید موتورسیکلت های برقی هم به اشتغال زایی کمک کند و هم آلودگی را از بین ببرد. امری که شورای شهر و شهردار و دولت از آن غافلند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از قم: گرسنگی فرهنگی کتاب و نشریه در قم



شهر قم با جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر از گرسنگی کتاب و نشریه های متفاوت رسمی رنج می برد. البته نشریات و کتب دینی در شهر قم جایگاه ویژه ای دارد. ولی آیا همه جمعیت قم فقط کتاب مذهبی می خوانند؟ اگر شما در شهر قم نیازمند یک جلد رمان و یا هر نوع کتاب غیرمذهبی شدید فقط می توانید به ۳ الی ۵ کتابفروشی که لوازم التحریر هم می فروشند مراجعه کنید. این چند کتابفروشی در خیابان صفاییه قم واقع شده اند. متاسفانه تنها کتابفروشی هایی که تا حدودی کتاب متفرقه می فروشند در اینجا قرار دارند. آیا این چند کتابفروشی برای جمعیت یک میلیونی قم کافی هستند؟؟ متاسفانه این موضوع در مورد دکه های روزنامه فروشی هم صدق می کند و در قم ۱۰ دکه روزنامه فروشی وجود دارد.

وقتی از مردم شهر قم می پرسیم اهل کتاب هستند یا نه؟ این گونه جواب می شنویم: « فقط کتاب درسی می خوانم » « کتاب های مذهبی گاهی اوقات می خوانم » « اصلن کتاب نمی خوانم »

در این بین به افراد معدودی هم برمی‌خوریم که بگویند: «کتاب‌هایی مطالعه می‌کنم» حال اگر بپرسیم چگونه کتاب‌های دلخواهشان را می‌خرند در جواب خواهیم شنید:

۱- از کتابفروشی‌های خیابان صفاییه می‌خرم و اگر هم کتاب مورد نظر را پیدا نکردم خوب نمی‌خرم

۲- از تهران سفارش داده و می‌خرم
جای سوال است از کسانی که می‌گویند شهر قم شهر علم است. آیا شهری که به شدت از کمبود کتاب‌های غیر مذهبی و کتابخوان رنج می‌برد و برای جمعیت یک میلیونی خود تنها ۱۰ دکه روزنامه‌فروشی دارد که نشان نخواندن روزنامه در این شهر هست، می‌تواند شهر علم باشد؟؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ورود اتومبیل‌های خارجی:



گمرک خبر داد در ۹ ماهه امسال ۴۰ هزار سواری به ارزش یک میلیارد دلار وارد کشور شده است. این در حالی است که تولید خودرو ۶۳ درصد، وانت ۲ درصد، مینی بوس ۶ درصد، اتوبوس ۱۳ درصد، کامیون ۱۹ درصد افزایش داشته است.

در خبرها داشتیم که شهرداری‌های قم، تبریز، کرج و ارومیه برای واردات ۹۰۰ اتوبوس با شرکت GAS روسیه تفاهم کرده و شرکت ترکیه‌ای اتوکار هم قرار است ۱۴ میلیون دلار به ایران اتوبوس بفروشد.

در حالی که مشکلی برای تولید اتوبوس در کشور نداریم. گاهی اوقات گفته می‌شود بعضی از اتوموبیل یا اتوبوس‌ها را می‌خواهند، مشارکتی در داخل تولید کنند و از یک شرکت خارجی دعوت می‌کنند برای سرمایه‌گذاری در داخل آن هم به همراه شرکت‌های داخلی به قصد ورود تکنولوژی و علم روز که به آن اشکالی نمی‌توان وارد کرد؛ ولی به این شکل که بخواهیم ظرفیت تولید داخل را با این وضعیت بیکاری که وجود دارد، کنار بگذاریم و مشغول واردات شویم، این چیزی نیست جز اینکه در آن رانت یا مسئله دیگری وجود داشته باشد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از حذف یارانه‌ها:

مسئولین دولتی باز هم از حذف ۳ میلیون یارانه بگیر دیگر خبر می‌دهند. با حذف این ۳ میلیون یارانه بگیر تعداد ۲۰ میلیون نفر از گرفتن یارانه محروم می‌شوند.

سندیکاهای کارگری معتقدند که همه ۸۰ میلیون ایرانی فارغ از هر طبقه اجتماعی حق دریافت یارانه را دارند و حذف آنان مخالف اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی است. در ضمن آیا حذف ۲۰ میلیون نفری یارانه‌هایشان سرشکن برای ۶۰ میلیون ایرانی دیگر خواهد شد یا اینکه به جیب دولت خواهد رفت؟ ما مخالف حذف یارانه بگیرها و موافق این موضوع هستیم که گرفتن مالیات از ثروتمندان به صورت تصاعدی باشد تا خزانه دولت از راه درست تامین شود.

اخبار کارگری از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

"به نام دادگر"

۱- در نشست شورای شهر چه گذشت؟

نشست بررسی مشکلات تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی شهر تهران در شورای شهر تهران روز یکشنبه با حضور داود رضوی و حسن سعیدی نمایندگان تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد و با حضور محسن سرخو ، محمد حقانی ، رحمت .. حافظی ، محمد سالاری و احمد حکیمی پور ، اعضای فراکسیون کارگری شورای اسلامی شهر تهران ، کشاورزیان مدیرعامل تعاونی مسکن شرکت واحد اتوبوسرانی ، برگزار شد .

کشاورزیان مدیرعامل تعاونی مسکن شرکت واحد در این باره گفت : در حال حاضر تامین مالی برای پروژه های سپیدار ۲ و ۳ و مهم ترین مشکل توقف پروژه سپیدار است . پیمانکار این پروژه مبلغ ۱۹ میلیارد تومان به تعاونی مسکن بدهکار است .

احمد حکیمی پور نماینده شورای اسلامی شهر تهران و عضو فراکسیون کارگری شورای اسلامی شهر تهران پیشنهاد کرد یکی از راه های تامین مالی ، می تواند مصوبه شورا برای تامین مالی این پروژه از محل ماده های ۱۶ و ۱۷ باشد .

در پایان مقرر شد طی یک هفته آینده گزارشات مذکور تهیه شده و یک هفته پس از ارائه این گزارشات مجددا جلسه ای برای بررسی وضعیت پروژه های سپیدار ۲ و ۳ تشکیل شود .

جالب توجه کارگران عضو تعاونی مسکن شرکت واحد، سخنان آقای کشاورزیان در مورد بدهکار بودن ۱۹ میلیارد تومانی پیمانکار است . یعنی

پیمانکار قبل از اینکه کاری بکند ۱۹ میلیارد پول اعضا را در اختیار گرفته است. نباید از کشاورزبان پرسید به چه دلیل برای کار انجام نشده ۱۹ میلیارد به پیمانکار پول داده شده است؟ به جای اینکه ۲۰ درصد حسن انجام کار از پیمانکار گرفته شود به او ۱۹ میلیارد هم دستی داده اند. به این می گویند مدیریت بی عرضه و بی لیاقت که نه تنها از دارایی های کارگران درست مراقبت نکرده است بلکه ۱۹ میلیارد هم به باد داده است.

در وهله اول باید دارایی ها و کلیه حقوق و مزایایی اقایانی که چنین دسته گلی به آب داده اند تا برگشت ۱۹ میلیارد، بلوکه شده تا بدانند که باید این پول کارگران به صندوق برگردد و با خاطیان این چنین برخورد خواهد شد

در مرحله بعد نمایندگان کارگران در تعاونی مسکن شکایتی از مدیرعامل شرکت تعاونی و دیگر دست اندرکاران چنین سو مدیریتی به امضا کارگران رسانده و عزل ایشان را خواستار شوند و پیگیر باشند که چنانچه فریبی در کار است به کارگران اطلاع رسانی شود.

۲- دست و پا زدن مدیریت سامانه یک برای برگزاری انتصابات شورا

همکاران شریف شرکت واحد، کارگران زحمتکش سامانه یک،

چند روزی است که مدیریت سامانه یک پس از رفع خستگی از سفر کربلا و گرفتن پاداش و حق ماموریت از آقای سنندجی عزم خود را دوچندان کرده که انتصابات مسخره شوراهای سامانه یک را با هر ترفندی برپا کند. ایشان به تازگی به رانندگان و پرسنل زیر دست هم احترام می گذارند و شما می توانید با او به راحتی صحبت هم بکنید و در صرف چلوکباب ایشان هم پیاله شوید.

عوامل زیر دستش از معاونتها (مخصوصا بهره برداری) که با التیماتوم شدید رییس مبنی بر برکناری گرفته تا سایر قسمتها به اشکال مختلف در حال

ترغیب ، اجبار در کاندیدا شدن، وعده دادن،،،، کارگران به شرکت در انتخابات می باشند. مسوول توقفگاه قول اضافه کار و سرویس می دهد. مسوولین ناحیه شیفت و ساعت کار و اتوبوس. آن دیگری تهدید می کند.

آقای مدیر اگه صداقتی در شما باشد به این سؤال پاسخ دهید که تا به حال برای رانندگان چه کرده اید و قرار است چه چیزی نصیب کارگران با تشکیل شوراها شود که شما اینقدر بالا و پایین می پرید؟

پیشنهاد ما نمایندگان سندیکایی اینست: که بیش از این بازیگردان بازیهای کثیف آقای سنندجی نشوید.

۳- آقای مدیر سامانه یک، سطح شعور کارگران را پایین نبینید!

پیشنهاد ما به مدیریت سامانه یک برای برگزاری انتخابات شوراها:

آقای مدیر اگر شما در انجام وظایف خود در رابطه با تشکیل شوراها صادق هستید و منافع فردی برای شما در الویت نیست

اگر واقعا می خواهید که در این انتخابات با پاکی و شفافیت صورت بگیرد

لازم است چند نکته را مدنظر قرار دهید:

۱- کارگران به منافع خود کاملا آگاهند. شما آنها را مجبور به شرکت در انتخابات نکنید

۲- غیر از رییس صندوق و ناظر کسی را در اطراف صندوق نگذارید (یعنی روز انتخابات یک روز عادی باشد و همه مسوولین سر پستهای خود باشند نه سر صندوق رای)

۳- جلوی رانندگان و کارگران را نگیرید و آنها را با تهدید و تطمیع اضافه کار، تغییر شیفت کاری ،،،،،، نترسانید و مجبور به شرکت در رای گیری نکنید

۴- ورود و خروج پرسنل از کارت زنی و ثبت ساعت را منوط به رای دادن نکنید

آقای مدیر یقین بدانید این دوره از انتخابات هم شما موفقیتی نخواهید داشت. حتماً مانند دفعات قبل که مرتکب تقلب و تخلف انتخاباتی شدید.

۴- فساد در شرکت واحد

ترکیدن چند تانک پوسیده در اتوبوسهای سامانه یک بهانه خوبی شد برای عده ای که از این فرصت استفاده کرده تا بتوانند برای پر کردن جیبهای گشادشان دستور خرید تانکهای باد غیراستاندارد با قیمت‌های گزاف را از مسولین بگیرند.

مشکل اینجاست که این تانکهای باد غیر استاندارد جایگزین فقط تانکهای پوسیده نمی شود، چون بهره مالی خوبی ندارد پس دستور تعویض تمامی تانکهای باد را داده به طوری که در تصویر خواهید دید تانکهای فابریک بسیار سالم که دارای کمر بند ایمنی دور تانک دارد نیز تعویض شده اند. این هم یک نوع دیگر بازی با جان مسافران و شهروندان فقط برای پر کردن جیب های گشاد آقایان.

براستی چگونه است که چشمان تیزیین سندیکا این موارد را می بیند ولی چشمان آقایان بسته است؟ و وقتی صحبت بودجه برای مسکن می شود فغان آقایان بالا می رود که بودجه نیست.

بودجه هست ، جیب ها گشاد و حیف و میل ها بسیار است.

سندیکاهای کارگری مبارزه در راه افشای فساد را الویت خود می‌دانند



۵- حوادث کاری و عدم مدیریت مناسب دو روی یک سکه

امروز باز هم یک دستگاه اتوبوس از مسیر خود منحرف شده و با سه موتورسیکلت تصادف نموده است. اینکه حال راننده و مجروحین خوب است یک بخش این رویداد می‌باشد. اما طرف دیگر قضیه ایمنی نامناسب اتوبوس‌های از رده خارج است که همچنان در خیابان‌های تهران حادثه می‌آفرینند

مدیریت منتظرند تا خانواده‌ای عزادار شود تا به خود بیایند؟



۶- مشکلات کارکنان توقفگاه های سامانه یک!

کارکنان این توقفگاه ها برای تماسهای تلفنی و کارهای اداری مجبورند از تلفنهای شخصی خود استفاده کنند و هر وقت از مسولین درخواست راه اندازی تلفن بیرون از اداره را دارند مسولین جواب میدهند مگه هزینه تلفن چقدر می شود و کارکنان در طول شبانه روز بارها برای کارهای اداری مجبورند از تلفن های شخصی خود استفاده کنند که این امر باعث نارضایتی همکاران شده است.

۷- باز هم سو مدیریت در سامانه یک حادثه آفرید!

امروز صبح اتوبوس شماره ۹۱۶۴۸۸ در خیابان آزادی تقاطع رودکی با عابر پیاده ای برخورد و در اثر شدت ترمز از سوی راننده مسافران داخل اتوبوس و عابر مجروح شدند. لازم به ذکر است که دلیل این حادثه عدم سلامت جسمی و روحی این راننده میباشد راننده این اتوبوس عمل باز قلب انجام داده است و داروهای قلب و همچنین اعصاب مصرف میکند و بارها عدم سلامت خود را به مسولین اعلام نموده است.

گویی که سلامت راننده ، مسافران و شهروندان اهمیتی برای مدیران شرکت واحد ندارد. اگر مدیران منفعت طلب شرکت واحد کمی مسولیت پذیر بودند می بایست این راننده را از پشت فرمان اتوبوس دو کابین بر می داشتند و کار کم استرس تری که در حال حاضر نور چشمی های مدیران و مسولان در آن قسمتها شاغل هستند، به این راننده داده و امثال آن را شاغل می کردند.

آقایان مدیر پرونده کاری شما هر روز سنگین تر از روز قبل شده است، به داد خود برسید تا وقتی هست.

۸- همکاران گرامی شرکت واحد !!

همانطور که میدانید شورای اسلامی کار نماینده کارکنان است و باید مدافع حق و حقوق حقه کارکنان باشد. از زمان تاسیس شورای اسلامی کار در شرکت واحد تا امروز بیش از ۲۵ سال است که می گذرد و تا امروز این شورا قدمی برای احقاق حق کارکنان شرکت واحد برنداشته است تا بحال هم هر جا جلسه ای داشته اند فقط در جهت منافع شخصی خودشان بوده است نظیر سفرهای هوایی مشهد و کیش ، دریافت کارکرد ۱۲ ساعتی روزانه ، حق جلسه کمیته های انضباطی و هر چیز دیگری که ما از آنها بی خبریم. امروز مدیریت شرکت واحد تمام تلاشش را می کند تا با تشکیل شورای اسلامی کار ابزار بسیار محکمی را برای توبیخ و اخراج کارکنان بوجود آورد شوراهای اسلامی کار تصادفات هر روزه در شرکت واحد را نمی بینند؟ مشکلات تعمیرگاهها را اطلاع ندارند؟ برای حیف و میل های هر روزه در شرکت واحد زبانی برای اعتراض ندارند؟

چگونه است که چشمان تیزبین سندیکایی ها مشکلات و فساد در شرکت واحد را دیده و از این کانال مرتب گزارش می کند اما از شورایی ها صدای در نمی آید؟ چرا؟

۹- ابزار کار کارگران تعمیرگاههای شرکت واحد

ابتدایی و غیراستاندارد بودن ابزارکار و تجهیزاتی که شرکت واحد در اختیار پرسنل فنی بکسل قرار میدهد در واقع با جان آنها بازی میکند آیا در قرن ۲۱ کارگران فنی بکسل شرکت واحد باید از امکانات ابتدایی و سنتی که در بدو تاسیس شرکت استفاده می شدند، استفاده نمایند ؟

به طور مثال جکهایی که در اختیار کارگران امدادی وجود دارد که ظرفیت و توان حداکثر ۵ تن وزن را دارند در حالی که این پرسنل خدوم با این جکها برای بالا بردن اتوبوس دوکابین برای تعویض چرخ یا کار دیگر استفاده می

کنند همانطور که در تصویر خواهید دید این جکها دیگر فرسوده شده اند و از استانداردهای لازم برخوردار نیستند. نمونه دیگر اینکه کارگران امدادی برای کار در زیر اتوبوس باید از مقوا و یا پارچه استفاده کنند که این نیز مغایر با این همه هزینه های بیجا و ریخت و پاشهای کارفرماست.

آقای مدیر، بجای صرف هزینه های هنگفت برای اجرای رای گیری زوری از کارگران در جهت اهداف خود، به فکر استاندارد کردن ایمنی و رفاه کارگران زحمتکش باشید .





اینداستریال: مبارزه اتحادیه های صنفی مستقل در راستای حقوق کارگران ایران

۲۵ آذر ماه ۱۳۹۵

در ماه اکتبر ۲۰۱۶ / مهرماه ۱۳۹۵، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، اولین سندیکای ایرانی بود که به اینداستریال ملحق شد. این پیوند، در کشوری که فعالان صنفی تحت تعقیب قرار می گیرند و زندانی می شوند، یک گام اساسی و مهم به شمار می آید.

موضوع: سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

کشور: ایران نوشته: والتون پنتاند

جنبش اتحادیه‌های مستقل و آزاد سندیکایی در ایران، به‌رغم سرکوب، حبس، اعدام و قتل‌های پنهانی، در راستای کسب حقوق سندیکایی پایه‌ای مبارزه می‌کند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، در سال ۱۳۳۹ تاسیس شد و پس از سال ۱۳۶۲، پس از دو دهه مجبور به فعالیت‌های مخفی شد، اما از سال ۱۳۸۴ به‌صورت علنی فعال بوده است. با وجود به‌رسمیت شناخته نشدن از جانب دولت و کارفرمایان، این سندیکا در بخش مونتاژ خودرو، کارخانه‌های ساخت قطعات، فولادسازی و کارخانه‌های مواد شوینده عده چشمگیری عضو دارد. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک نمی‌تواند در درون کارگاه‌ها به

فعالیت علنی بپردازد، زیرا هرگونه سوءظن به عضویت در اتحادیه کارگری به اخراج و دستگیری کارگران منجر می‌شود. با این وجود، سندیکا توان بسیج کارگران را دارد و عدم وابسته نبودن سندیکا، مبارزه جویی و مقاومتش، الهام‌بخش کارگران است. ایران، در زیرسلطه حاکمیتی مبتنی بر استبداد دینی، به لحاظ رعایت استاندارد های بین‌المللی در مورد حقوق کار بسیار عقب مانده است و مقوله نامه‌های اصلی سازمان بین‌المللی کار، یعنی مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ در ارتباط با تشکل و حق مذاکره و پیمان دستجمعی را هنوز به رسمیت نمی‌شناسد. در ظاهر امر، شاعلان ایرانی از حق تشکل برخوردارند، اما سازمان‌دهی اتحادیه‌های صنفی در محل‌های کار ممنوع است. اعتصاب‌ها به وسیله نیروهای امنیتی، شبه‌نظامیان و پلیس ضدشورش سرکوب می‌شوند. امسال ۱۷ کارگر در معدن طلای آق‌دره، واقع در آذربایجان غربی، به جرم اعتراض به اخراج ۳۵۰ تن از همکارانشان، در ملأعام شلاق زده شدند.

تا پیش از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، خاندان سلطنتی‌ای زیر حمایت غرب، در قالب پادشاهی، بر ایران حکومت می‌کرد. انقلاب گرایشی به چپ داشت و ضدامپریالیستی بود. اعتصاب عمومی کارکنان صنعت نفت ایران و دیگر بخش‌ها، پشتیبان آماج های انقلاب در راستای رفورم‌های بنیادی اقتصادی، اجتماعی و ساختارهای سیاسی آن بودند. بسیاری از ایرانیان امیدوار بودند که انقلاب بهبود وضعیت مردم را موجب شود.

اسلام‌گرایان، به رهبری آیت‌اله خمینی- که وعده رفورم‌های اجتماعی- اقتصادی را می‌داد- سکان جنبش را به دست گرفتند. ولی چندی پس از انقلاب، طرفداران سرمایه داری در ارگان های حاکمه به این وعده‌ها پشت کردند و سازمان‌های مستقل کارگری سرکوب شدند، و این، به رانده شدن سندیکای کارگران فلزکار مکانیک به سوی فعالیت غیر علنی منجر شد.

دولت بر سازمان‌های فعال در محیط کار تسلط انحصاری دارد و وزارت کار حامی خانه کارگر جمهوری اسلامی است. خانه کارگر پشتیبان شوراهای اسلامی کار است که نهادی است سه‌گانه و طرفدار حکومت که متشکل شده‌اند از کارکنان و کارفرمایان و منصوبان دولت‌اند. خانه کارگر در ظاهر مرکز کارگری‌ای است سراسری [که شوراهای اسلامی کار را نمایندگی می‌کند] و عضو فدراسیون جهانی اتحادیه کارگری WFTU است، اما در واقع از جانب دولت ایران تأمین مالی و کنترل سیاسی می‌شود.

شوراهای اسلامی کار بر امور کاری در صنایع نظارت دارند، کارگران را از اعتصاب کردن برحذر می‌دارند و عملکرد آن‌ها در محیط کار ابزاری در دست حکومت است. شوراهای اسلامی کار در میان کارگران ایرانی بسیار منفورند. آن‌ها به‌طرزی خشن با اتحادیه‌های کارگری مخالفت می‌ورزند.

مازیار گیلانی‌نژاد، سخنگوی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک [در مورد این نهادهای حکومتی] می‌گوید: "در خلال فعالیت سی‌ساله این نهادها، آن‌ها تحت کنترل وزارت خانه بوده‌اند و هیچ‌گونه عملکرد مستقلی نداشتند. این‌ها سازمان‌های کارگری نیستند، زیرا ایدئولوژی‌ای انحصاری دارند و باور داشتن به اسلام شرط ضرور عضویت در آن‌ها و علاوه بر این زیر نظارت دولت‌اند. آن‌ها هیچ‌گاه کار مثبتی برای کارگران انجام نداده‌اند. آنچه بر پایه عملکرد و سیاست‌های این نهادها در خلال فعالیت سی ساله شان می‌توان گفت این‌که آن‌ها عملاً به مثابه تشکل‌های وابسته به وزارت کار و دولت عمل می‌کنند و از خود استقلال عملی ندارند. آن‌ها را نمی‌توان تشکل‌های کارگری واقعی قلمداد کرد چرا که تشکیلات ایدئولوژیک هستند و مسلمان بودن یکی از شرایط اصلی عضویت آن‌ها می‌باشد. اینها نهادهایی مذهبی هستند که زیر نظر وزارت کار در محیط‌های کارگری فعالیت دارند و عمدتاً طبق راهکارهای دولت در جامعه کارگری نقش ایفا کنند. این نهادها در طی سی سال فعالیت خود هیچ قدم مثبتی برای کارگران برنداشته‌اند."

کارگران ایران با چالش جدیدی روبه‌رویند: هجوم سرمایه‌های خارجی و آزادسازی هر چه بیشتر بازار کار. ایران از انقلاب تا به‌حال با تحریم‌ها و انزوای بین‌المللی روبه‌رو بوده است. اما پس از امضا شدن توافق‌نامه هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ، که به نام برجام شناخته شده است، تحریم‌ها برداشته شده‌اند و شرکت‌های خارجی [در ایران] سرمایه‌گذاری می‌کنند.

دولت در جهت جذاب کردن بیشتر کشور در برابر سرمایه‌گذاران، به تضعیف بیشتر قانون کار و حذف سازوکارهای محافظت از حقوق کارگران دست زده است. نمایندگان و فعالان سندیکایی، در روز ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۹۵، در اعتراض به این تغییرها در قانون کار [با:اصلاح قانون کار] در برابر مجلس در تهران دست به تظاهرات زدند. تمام اتحادیه‌های کارگری مستقل در این تظاهرات اعتراضی که از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه فراخوانده شده بود، شرکت جستند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک اعلام کرده است که، حذف حداقل ساز و کارهای حفاظت از حقوق کارگران، خط قرمزی است که در صورت گذر از آن، دولت با واکنشی قاطع از جانب طبقه کارگر روبه‌رو خواهد شد.

گیلانی نژاد می‌گوید: اگر دولت به دادن امتیاز به سرمایه‌های مالی ادامه دهد، ما فایده‌ای از سرمایه‌گذاری خارجی نخواهیم برد. صندوق بین‌المللی پول از ایران می‌خواهد مناطق آزاد تجارتهای بر پا کند که از شمول قانون کار خارج باشند. آیاسیل ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌ورود فناوری مدرن به کشور منجر خواهد شد، یا اینکه ما تنها به سفت کردن پیچ‌ومهره‌ها ادامه خواهیم داد؟

کمال اوزکان، معاون دبیرکل اینداستریال، می‌گوید: "آوردن اتحادیه‌های کارگری مستقل ایران به درون خانواده جنبش جهانی، گامی است مهم به‌نفع کارگران کشور. عضویت در فدراسیون جهانی باعث تقویت سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و حفاظتی برای اعضای آن خواهد شد."



طلوع ناگهان‌ها، زیر آوار
غروب قهرمان‌ها، زیر آوار
گماکان می‌تپد با عشق مردم
دل آتشنشان‌ها زیر آوار

با دلی غمبار فقدان زحمتکشانی که دو ماه پیش بن کارمندیشان قطع شد ولی عاشقانه به کارشان ادامه دادند و امروز شهردار شب روزش را برای زدودن کاستی‌های مدیریت شهری می‌خواهد از آنان هزینه کند را به خانواده‌های این عزیزان و زحمتکشانی که با چشمان گریان برای کمک به کارگران خیاط و کفاش و پیراهن دوز به پلاسکو رفتند اما آنها را به سلفی گرفتن متهم می‌کنند و همه هموطنانی که امروز یک پارچه در سراسر ایران به سوگ این تلاشگران نشستند تسلیت می‌گوییم.

پای اگر فرسودم و جان کاستم آنچنان رفتم که خود می‌خواستم
هر چه گفتم جملگی از عشق خاست جز حدیث عشق گفتن دل نخواست

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

اول بهمن ۱۳۹۵

گزارشی از خصوصی سازی یا نابودی صنعت

شرکت "پارس" الکتریک در سال ۱۳۹۰ تنها ۳۳ تلویزیون تولید کرده و به قول حسن روحانی، رئیس‌جمهور، لانه کبوتران شده!

در حومه رشت شهرک صنعتی وجود دارد که تا ۱۵-۲۰ سال پیش کاملاً فعال بود و الان ۴-۵ کارخانه از جمله "ایران رادیاتور" و "ایستک" که نوشیدنی تولید می‌کند، فعال هستند.

کارخانه پارس-خزر با تعدیل نیرو و تعطیلی بخشهایی از کارخانه به زور سرپاست. کارخانه‌های سه گانه "پلاستیک-لوله‌سازی-ابر شمال" سالیان سال هست که تعطیل هستند. کارخانه پوشش که روزی بهترین حوله‌ها رو با کیفیت مناسب تولید می‌کرد، تبدیل به مجتمع ساختمانی نیمه تمامی شد که گفته می‌شود که هتل خواهد شد.

کارخانه "الکتریک ایران-رشت" که زمانی موفق‌ترین کارخانه تولید لوازم الکتریکی پایه در خاورمیانه بود، با اخراج کارگران و فروش کارخانه نابود شد. کارخانه دیرتر با بولدوزر از میان برداشته شده، همینطور زمین فوتبال این کارخانه صاف و آماده ساختمان سازی شد.

این چیزی نیست جز همان صنعت زدایی. روندی که از زمان هاشمی رفسنجانی کلید خورد، در دوران ۸ سال "اصلاحات" ادامه پیدا کرد، در ۸ سال احمدی‌نژاد ضربات کاری به آن وارد آمد. صنعت زدایی چیزی جز نتیجه اجرای سیاستهای نئولیبرالی صندوق بین المللی پول که ضد صنعت می باشد، نیست. تضعیف صنایع ملی، تقویت و حمایت از موسسات مالی، بیمه خصوصی، به جای صنعت، کوچک سازی دولت (تحت نام خصوصی سازی)، حذف یارانه‌ها در بخش آموزش - بهداشت - مسکن - ورزش - نان - رفت و آمد...، اداره سیستم بانکی با بهره بالا (تشویق مردم به

سپرده‌گذاری و دریافت سود ماهیانه) ، تشویق مردم به سرمایه گذاری در خانه‌سازی، خرید فروش زمین، خانه و املاک، افزایش موسسات صادرات- واردات و اعطای تسهیلات به آنها، گسترش فرهنگ مصرف و سفته بازی ، تشویق بخش های مرفه جامعه به لوکس‌گرایی و خرید کالاهای لوکس وارداتی، قطع حمایت دولتی از تولیدکننده داخلی (در نتیجه کوچکتر شدن و ضعیفتر شدن دولت) و... مسئله بیکاری و گسترش فقر از مشکلات اصلی کشور بوده و هست، که تنها از دولتی به دولت دیگر با نرخ بالاتر منتقل شده است.

صنعت زدایی امروز به جایی رسیده است که کشور از هر لحاظ برای ورود و یا بهتر بگوییم "حراج" کشور به مجموعه انحصارات غول پیکر جهانی آماده شده است و پای قماربازان بین المللی به ایران باز می شود تا با همدستی سرمایه داری مالی نفوذ کرده در دولت به چپاول و ویرانی صنعت و بیکاری بیشتر برای کارگران برنامه ریزی کنند.

« سرمایه داری هراس عمیقی از سازمان یافتگی جنبش کارگری و تاثیرهای آن بر جنبش عمومی آزادیخواهی دارد و از این رو در سال های اخیر همه تلاش های خود را به کار بسته است تا از نزدیکی، هماهنگی و مبارزه مشترک زحمتکشان در کنار دیگر سازمان های اجتماعی جلوگیری کند .

خواسته های زحمتکشان جدا از خواسته های پرستاران، خبرنگاران، آموزگاران، هنرمندان، نویسندگان، دانشجویان و زنان و حتا دانشمندان مردمی نیست. ما خواهان بهبودی وضعیت معیشت مردم ایران، رفع فقر و بیکاری و آزادی های انسانی هستیم.»



در نامه بیش از ۴۰ هزار نفر کارکنان صنعت نفت مطرح شد:

در خواست تخصیص اعتبار برای تبدیل وضعیت استخدامی.

به گزارش ایلنا؛ در روزهای گذشته بیش از ۴۰ هزار نفر از کارکنان شاغل در صنعت نفت کشور از کارکنان شاغل در صنعت نفت کشور که دارای قراردادهای موقت هستند با ارسال نامه ای به رییس کمیسیون تلفیق برنامه و بودجه، خواستار تخصیص اعتبار در برنامه ششم توسعه جهت تبدیل وضعیت و استخدام رسمی شده اند.

در این نامه که گویا در تاریخ ۱۳ دیماه نوشته شده است از «غلامرضا تاجگردون» خواسته شده است که با توجه به اینکه لایحه برنامه ششم توسعه در صحن علنی مجلس در دست بررسی است نسبت به تخصیص اعتبار متناسب در برنامه ششم توسعه (به استناد ماده ۲۵ بند ۱ اعتبارات هزینه‌ای

در وزارت نفت) جهت تبدیل وضعیت و استخدام رسمی کارکنان شاغل اقدام شود.

امضا کنندگان این نامه با تاکید بر حساس و حاکمیتی بودن مشاغل موجود در صنعت نفت کشور یادآوری کرده‌اند کارکنان شاغل در صنعت نفت، به علت داشتن قراردادهای موقت و عدم برخورداری از امنیت شغلی روحیه پایداری دارند.

صنایع نفت و گاز یکی از نظر شمار کارکنان شاغل، یکی از پرتراکم‌ترین بازهای شغلی کشور محسوب می‌شود اما به دلیل تنوع مقررات استخدامی مبنای محاسبه مزایای شغلی همه این کارکنان در یک سطح معین قرار ندارد.

در همین رابطه «آقایار حسینی»، دبیر خانه کارگر اهواز به این‌گونه گفت: بخش قابل توجهی از کارکنان شاغل در صنعت نفت از کارگرانی هستند که تحت مقررات مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، به واسطه شرکت‌های پیمانکاری متعددی که واسطه هم هستند، مشغول کارند.

وی افزود: به صورت مشخص وضعیت این کارگران از اینکه حقوق و دستمزدهایشان با شرایط کارگران قرارداد مستقیم و کارکنان مشمول مقررات استخدامی وزارت نفت، فاصله زیادی دارد که همین موضوع باعث افزایش نارضایتی در میان این گروه از کارگران شده است.

دبیر اجرایی خانه کارگر آبادان در اثبات مواضع خود به اعتراضات صنفی کارکنان مناطق نفتی اشاره کرد و افزود: درخواست ساماندهی وضعیت استخدامی کارکنان نفتی را از کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی باید یک خواسته حداقلی تلقی کرد.



پیوستن ایران به مقاله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار حرکتی تبلیغاتی است

«ناصر چمنی»، فعال صنفی کارگری در گفت‌وگو با ایننا اظهار داشت: پیوستن ایران به مقاله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار حرکتی تبلیغاتی است چرا که اساسا دولت اعتقادی به رعایت سه جانبه گرایی ندارد چه برسد که بخواهد بر اساس این مقاله نامه سه جانبه گرایی را تسهیل کند.

او لایحه اصلاح قانون کار را گواهی روشن بر این ادعای خود دانست و افزود: دولت لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار دولت گذشته را که کوچکترین نشانی از رعایت سه جانبه گرایی ندارد را به مجلس فرستاده است و بر قانونی شدن آن مصر است.

چمنی با اشاره به شکاف موجود در سطح دستمزدها و هزینه‌های زندگی، تصریح کرد: گروه کارگری هر سال پیش از تعیین مزد در اواخر سال تشکیل جلسه می‌دهد و با در نظر گرفتن تورم و سبب معیشت نظر خود را در خصوص سطح دستمزدها اعلام می‌کند اما دولت بدون رعایت سه جانبه گرایی رقمی را که خود مایل است به عنوان مزد تعیین می‌کند.

چمنی با بیان اینکه در ۳۰ سال گذشته هیچ‌گاه مشارکت ذی نفعان در تصمیمات به اصطلاح سه جانبه مورد توجه قرار نگرفته است، تصریح کرد:

در این مدت حتا نمی‌توان یک جلسه مشترک با حضور کارگر، کارفرما و دولت پیدا کرد که گروه کارگری از آن جلسه راضی بیرون آمده باشد.

چمنی با اشاره به طرح ادغام صندوق درمان تامین اجتماعی در بیمه سلامت، تصریح کرد: در اینجا نیز وزارت بهداشت بدون در نظر گرفتن سه جانبه گرایی فشار وارد می‌کند که بخش درمان تامین اجتماعی را تصاحب کند و اصلا به این فکر نمی‌کند که صاحبان این صندوق راضی به این ادغام نیستند.

روز گذشته معاون روابط کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از تصویب اولیه پیوستن ایران به مقوله نامه شماره ۱۴۴ سازمان بین المللی کار در شورای عالی کار خبر داد.

سید حسن هفده تن در تشریح مقوله نامه ۱۴۴ سازمان جهانی کار گفته است: رهگیری و تسهیل فرآیند سه جانبه گرایی، اولویت راهبردی دولت در جامعه کار و تولید تلقی می‌شود که به صراحت در دومین بند رویکردها و ماموریت های اساسی وزارت تعاون با عنوان «رعایت اصل سه جانبه گرایی با مشارکت ذینفعان در تصمیم گیری‌ها» و در قالب «نظام جامع تدبیر» از سوی مقام عالی وزارت تعاون مورد تاکید قرار گرفته است.

اقای وزیرکار در بازدید از پلاسکو فرمودند که کارگران بیکار شده، بیمه بیکاری خواهند گرفت.

می دانیم که نه وزیر و نه حتا رییس شعبه تامین اجتماعی شعبه حافظ هم نمی داند که این کارگران اصلن بیمه نبوده اند و وزارت کار یک بار برای بازرسی و بیمه کردن این کارگران به آنجا نرفته است. بازم فقط حرف های باد هوا.



تامین بودجه از کارگران ساختمانی

کارت های مهارت فنی که هنوز دو سال اعتبار دارد برای تامین بودجه جلوش گرفته شده بهانه این است که کارت مهارت شما هوشمند نیست. سر برج جلوی بیمه ام گرفته شده بود وقتی به تامین اجتماعی مراجعه کردم جوابشون این بود که کارت مهارت فنی شما هوشمند نیست کارتی که هنوز اعتبار دارد چرا باید عوض شود؟ آیا این بهانه نیست؟ دیدم همه طبقات پر از کارگر ساختمانی بود همه ناله میکردند که در این فصل بیکاری چرا اینکار و با ما کردن ما الان نمی تونیم خرج زندگی مون را تامین کنیم به جای اینکه یه قانون برای حمایت از ما تصویب بکنن و برای رفع بیکاری کاری بکنن یا بیمه بیکاری به ما بدن اومدن در این فصل بیکاری بادرخواست غیرقانونی انجمن صنفی که میخواد چیزی گیرش بیاد، بیمه راقطع کردن. این چه کاری هست؟ چرا دست از سر ما کارگران ساختمانی برنمیدارن یکی می گفت من مریض دارم اما بیمه ام را جلوشو گرفتن. این است حمایت از کارگران. با این کار که برای پر کردن جیب انجمن صنفی است، میخوان کارگران را سر کیسه کنن. ما باید دردمان را به کی بگیریم؟ کی به داد ما میرسد واقعن کسی جز خود کارگران به فکر ما کارگران نیست.

حسین امیدی عضو سندیکای کارگران نقاش تهران

گزارش آموزگار همیشگی کودکان کار

سی و یکمین گزارش از کلاس های سواد آموزی ستایش در سال ۱۳۹۵.

با کلاس پنجمی ها انشاء داشتم. از قبل به ارایه یک کار نو توسط شاگردانم به مناسبت سال نو میلادی فکر کرده بودم و به همین خاطر از دو جلسه پیش آموزش کار قرینه را با انها شروع کرده بودم. در این روش خط های هیچ طرحی، مانند طرح دیگری نمی شود به همین خاطر با یک آموزش در کلاس دوازده نفره می توان دوازده کار از قرینه داشت و زیبایی کار از همین جا شروع می شود. دانش آموزان من طبق سلیقه خود قرینه شان را رنگ زدند و چون وسط آن به مانند یک قاب عکس خالی بود به دلخواه خودشان جمله ای را در رابطه با آغاز سال نو میلادی نوشتند. که عکس ان را در اینجا میفرستم . انشا درسی است که می تواند پل ارتباطی ما در جامعه باشد و من تصمیم گرفتم هنر نقاشی را در زنگ انشا از حالت انترع درآورم و تدریس انشا را از روش سنتی به روز و با نقاشی آن را زیباتر و کاربردی تر کنم. که در زندگی روزمره برای شاگردانم قابل استفاده باشد. یکی از دانش آموزانم میگفت می خواهد یه متن قشنگ داخل قرینه اش بنویسد و روز تولد مامانش هدیه بدهد و این همان نتیجه ای است که من در کلاس میخواستم و به آن رسیدم البته با کمک شاگردانم.

محبوبه فرح زادی دیماه ۱۳۹۵

یاشاییردیم،

سس سیز صمیر سیز!،

دنییل لر بودا حیاتی؟،

خیوانلاردا کوچه لرده،

منی سنومه دی،

گور؟نجه منی اتدی،

باش سیز بدن کیمه گرکدی؟،

منی آختاراندا یوخدو،

نه واخدی!،

سورگون اولموشام یاشاماقدان،

گوردوم قیبرده یاشاماق!،

داها راحتدی،

سنومه دی اودا منی،

بو سویوق هاوادا،

چولله ره آتدی،

سونرا راحتجاسینا یاتدی!،

بو دردیمدن دونیا،

قارا گنیدی یاسا باتدی،

بودا حیاتی..،

یاشام منی قبره ده اتدی!،

حسین امیدى (ارومان)

ما نمی توانیم با هم باشیم،

راه ما جداست.

تو گریه ی قصابی،

من گریه ی سرگردانِ کوچه ها.

تو از ظرفی لعابی می خوری،

من از دهان شیر.

تو خوابِ عشق می بینی،

من خوابِ استخوان.

اما کار تو هم چندان آسان نیست عزیز،

دشوار است

هر روز خدا دم جنباندن!

"اورهان ولی"

انتخابات و سندیکاهای کارگری



کارگران هیچوقت نمی توانند از منافع صنفی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود دفاع نمایند مگر اینکه در سندیکاهای کارگری و احزاب و سازمان های کارگری و دیگر تشکلهای کارگری درکنار هم متحدانه از حقوق خوددفاع کنند. با شرکت گسترده در سندیکاهای کارگری است که کارگران می توانند رعایت حق قانونی خود را در اصول قانون اساسی و قوانین کشور به حاکمان تحمیل کنند و یا حکومت را وادار به تدوین قوانینی نمایند که منافع کارگران در آن رعایت شده باشد. با همبستگی حول محور سندیکاهای کارگری است که کارگران می توانند در قضایای مختلف کشور (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، جنگ، صلح، اصلاحات) نقش آفرینی کنند.

یادآوری این نکته ضروری است که هر تشکلی در حوزه های خاصی از فعالیت های کارگری فعال می باشد یعنی تشکل های گوناگون کارگری شرح وظایف گوناگون دارند.

شرکت یا عدم شرکت در انتخابات کشور هم در قالب همین شرح وظایف است که قابل بررسی می باشد. به طور کلی در مورد شرکت یا عدم شرکت در انتخابات چون کاری است بیشتر سیاسی تا صنفی، پس این مهم در شرح وظایف احزاب و سازمان های کارگری می گنجد. زیرا احزاب ضمن فعالیت های صنفی فعالیت های سیاسی هم جزو وظایفشان می باشد و مهمتر اینکه

افراد فعال در احزابی که منافع کارگران را نمایندگی می نمایند مشترکات بیشتری دارند تا کارگرانی که در تشکل های صرفن صنفی با هم کار می کنند.

اما بحث ما چون در مورد چرایی تصمیم سندیکا برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات می باشد به نظر می رسد توضیحاتی در این خصوص ضروری می باشد. یک سندیکای مستقل کارگری برای شرکت در انتخابات قبل از هر اقدامی باید به سوالات زیادی پاسخ دهد:

انتخابات فرمایشی است یا سرنوشت ساز؟ انتخابات کشوری است؟ استانی است؟ محلی است؟ شهری است؟ روستایی است؟ صنفی است؟ انتخابات آزاد است یا مهندسی شده؟ انتخابات چه رابطه و دیدی در مورد طبقه کارگر دارد؟ انتخابات چه تاثیری بر مزدگیران و اقشار کم درآمد جامعه و خانواده های آنها دارد؟ شرکت در انتخابات اتحاد و همبستگی بیشتر کارگران را به دنبال دارد؟ یا باعث تفرقه بیشتر خواهد شد؟

بدون شک شرکت در انتخابات محلی، شهری، روستایی و انتخاب نمایندگان مردمی در تحقق حداقل هایی از خواسته های کارگران و اقشار کم درآمد شهرها و روستاها موثر واقع شود، از وظایف هر فرد متعهد و سندیکایی است. مثلن در شهرهای بزرگ و پرحاشیه شورای شهر می تواند اقدامات مفیدی در جهت چگونگی زیست شهری، آلودگی هوا، کم کردن مشکل ترافیک، بهبود ناوگان مسافربری شهری، بهبود خدمات شهری، ضابطه مند نمودن ساخت و ساز شهری و جلوگیری از ریخت و پاش های مرسوم در شهرداری ها، سر و سامان دادن به محلات فقیر نشین و حاشیه نشین ها و تخصیص بودجه ای که بتوان این اختلاف وحشتناک بین مناطق مرفه نشین و فقیر نشین را اندکی هم که شده کم نمود. همچنین در روستاها نیز شورای ده می تواند با پیگیری در جهت بهبود امکانات و شرایط کشاورزی و دامداری در زمینه های واردات محصولات کشاورزی، سموم، کود، حفاظت از جنگل ها و مراتع و منابع طبیعی، درخواست و پیگیری برای رفع مشکل جاده، مدارس، آب و برق، نقش مثبتی ایفا نماید.

اما در مورد مجلس شورا و ریاست جمهوری محدودیت برای شرکت سندیکاهای به طور رسمی و یا بیانیه دادن فراوان است. شرکت سندیکاها در انتخابات سراسری به دلیل برجستگی نقش سیاسی این انتخابات و وجود افراد با گرایشهای سیاسی و عقیدتی و فرهنگی گوناگون در بین اعضا و مسوولین سندیکاها، احتمال بروز اختلافات و سست شدن تحکیم و وحدت سندیکایی را بیشتر می کند. اما می شود به یک نتیجه گیری جمعی رسید و مسوولان و اعضای سندیکاها آزادند به این نتیجه گیری عمل نمایند و یا نظرات شخصی خود را اعمال نمایند.

اما زمانی اگر داوطلبی از طرفی بر اساس سوابق فعالیت هایی که داشته و از طرف دیگر به شرط متعهد بودن به طور شفاهی و کتبی یعنی درج در برنامه ها و بیانیه های انتخاباتی در زمینه تحقق خواسته های کارگران و اقشار کم درآمد جامعه سوابق روشنی داشته باشد و سندیکا طی بررسی های همه جانبه به این نتیجه برسد که داوطلب می تواند نقشی مثبت بر اساس قانون و اختیارات قانونی خود ایفا نمایند و همچنین سندیکا دریابد که شرکت در انتخابات خدشه ای به وحدت درونی خود و وحدت بین دیگر سندیکاهای کارگری و تشکل های و فعالین کارگری وارد نمی نماید، می شود این کار را انجام داد. انتخابات ریاست جمهوری برزیل و نقش سندیکا و اتحادیه های کارگری در پیروزی کاندیدای چپ گرای آن کشور مثال مناسبی می باشد.

اما به هر صورت سندیکاهای کارگری و دیگر تشکل های مستقل کارگری در هیچ شرایطی چه شرکت در انتخابات و یا عدم شرکت در انتخابات نباید منفعلانه برخورد کنند و باید به شکلی فعال و منسجم در جهت آگاهی بخشی به کارگران و ترغیب آنان به عمل درست فعالیت نمایند.

کارگران و تشکل های صنفی و سیاسی آنان باید در موقعیت های مناسب خواهان فراهم نمودن شرایط مناسب و پذیرش نمایندگان خود برای انتخاب شدن باشند. در پایان ذکر این جمله ضروری می باشد که بگوییم نباید همه چیز را سیاه و یا سفید دید.

یارمحمد اکبری عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

عرض سلام و احترام خدمت دوستان گرامی.

ذکر این نکته که انتخابات در کشور ما، به نوعی فرمایشی و گلچین شده می باشد (البته گلچین شده طبق نظرات و شرایطی که توسط خودشان وضع شده است) واقعیتی است که نمی شود آنرا انکار کرد. اما چه باید کرد؟ با بایکوت و تحریم انتخابات، آیا تاکنون راه به جایی برده ایم؟ آیا اوضاع بهتر خواهد شد؟ مسلم است که با دست روی دست گذاشتن و منتظر ماندن، کاری از پیش نخواهیم برد. جملگی می توانیم از کوچکترین لایه های اجتماعی شروع کنیم و هرکس به فراخور وسع و همت خود، می تواند حداقل کار را (البته در ظاهر حداقل، ولی در عمل خود بزرگترین حرکت می باشد) که همان آگاهی بخشی و آشنا کردن دوستان، همکاران و آشنایان با حق و حقوق شهروندی و اجتماعی می باشد، انجام دهد.

تا زمانی که به حق و حقوق شهروندی خود آشنا و آگاه نباشیم، نمی توانیم دم از حقوق اجتماعی، عدالت اجتماعی و دموکراسی واقعی بزنیم ما ۳۵ سال است که با رای ندانمان از حق رای مان استفاده نکرده ایم. حق رای که برایش ۱۰۰ سال جنگیده ایم. کار سندیکای کارگری آگاهی بخشی و افشاگری است. رفتن به میان مردم و پخش نظریاتمان و گفتگو با مردم کارماست و چالشی است که برای سرمایه داری ایران ایجاد خواهیم کرد. ارتقا مطالبات مردم در حقیقت نشان دهنده این موضوع است که طرف مقابل ما این کاره نیست. و فقط ما می توانیم بهبودی وضعیت مردم را انجام بدهیم. مگر غیر از این کار کار مهمتری هم هست؟

ورود ما به شورای شهر امکانی برای عرضه نظریات و اعمال ما در سطح کلان تر و تلاش برای خدمت به مردم و افشای مافیای رخنه کرده در شورا و مسایل شهری است. با فرستادن نماینده به شورا و نظارت بر عملکرد او و پشتیبانی مردم از کاندیدای کارگريشان سطح جنبش را یک قدم بالاتر خواهیم برد. مگر غیر از این می خواهیم که مردم با حقوقشان آشنا شوند؟

یکی از وظایف سندیکاهای کارگری بهبود وضعیت محله های کارگری است!

عدم آموزش صحیح و کمی حوصله



این مقاله زیبا را حسین امیدی کوشنده کارگری و عضو سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران و حومه برای ما جمع آوری و ارسال کرده است.

اگر رابطه میان کوشندگان کارگری و مردم عادی رابطه میان سخنگو و مخاطب باقی بماند، هیچگاه شانسی برای اتحاد و سازماندهی وجود نخواهد داشت. رابطه سخنگو و شنونده فقط به قصد متقاعد کردن صورت می گیرد. هیچ تشکلی هیچگاه با اقتناع شکل نگرفته است. راه حل بسیار ساده است: کار دیگری را تعریف کنید.

مردم علاقه ها و سلیقه های متعددی دارند و برای برقراری ارتباط باید به سراغ این تعلقات خاطر رفت. کوشندگان کارگری و صنفی به خاطر موقعیت معتبر خود قادر به اتحاد کارگران خواهند بود. کلمه اتحاد توخالی و بی محتوا باقی خواهد ماند اگر که نتوانیم آنرا به مجموعه ای از فعالیت ها کارگری و مردمی که مشکلی از مشکلات کارگران را حل کند، تعریف کنیم.

همه ما می خواهیم شنیده شویم، در جمع پذیرفته شویم، به مشکلات ما توجه شود و لازمه اتحاد این است که مردم متوجه شوند در مشکلات خود تنها نیستند.

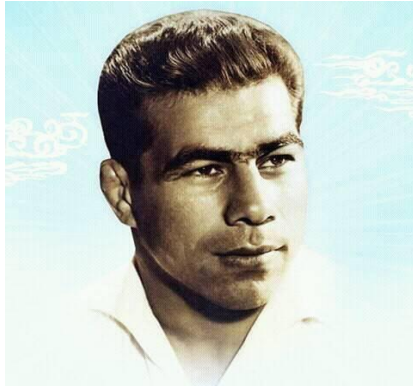
همدلی و همکاری وقتی به یک اتحاد سازمانی ختم می شود که ابتدا به شکل فرایندی جهت یک خواسته کارگری مبدل شده و کارگران جهت همکاری و دستیابی به آن خواسته آن را با هم انجام می دهند ، تجلی یافته باشد.

روشنفکران همواره خود را به جهت سطح فرهنگی نازل مردم تنها و منزوی احساس می کنند. نمونه بارز این دست روشنفکران صادق هدایت است.

آنها در این تقدیر شوم مقصر نیستند و ناله های آنها برحق است . اما اشکال کار در اینجا است که آنها نتوانسته اند بین فعالیت روشنفکری و فعالیت سازمانی تمایز قایل شوند. کسانی که از خرد جمعی کارگران یا در واقع پتانسیل های فکری آنها فراتر می روند، جز یاس و ناامیدی تقدیر بهتری نخواهند یافت . در جنبه روشنفکری، رابطه روشنفکر و طبقه اش رابطه متقاعد کردن و آگاهی بخشی است که البته ضرورت خود را دارد، اما از این رابطه نمی توان انتظار داشت که مردم حول ایده های روشنفکر یا فعال کارگر متحد شوند.

فعالیت سازمانی باید حول انگیزه ها و دل مشغول های خود مردم شکل بگیرد و نه حول ایده ها و افکار روشنفکران و یا کوشندگان کارگری . اولین چیزی که یک کوشنده کارگری را با یک نفر متصل می کند باید چیزی به جز مسئله اتحاد و ضرورت سازماندهی باشد، و آن حل مشکلی از مشکلات کارگران باشد.

این فرآیندی است که باید با صبر و حوصله زیاد انجام شود



تختی نماد انسانی برای همه دوران

تختی اگر نامی ماندگار شد نه برای این بود که قهرمان شد و چندین مدال جهانی و المپیکی آورد. نه برای اینکه بچه خانی آباد بود.....

تختی نامی همیشه جاودانه است.

چون به قدرت پهلوی نه گفت. برای قدرت سر خم نکرد. پول و شهرت برایش پیشیزی ارزش نداشت و دل در گرو انسانیت و مردمش داشت.

در عین خطر به دیدار زندانیان سیاسی به زندان قصر می رفت و هیچ دغدغه شهرت و اینکه این رفتار باعث چشم زخمی از سوی شاه و ساواک را در پی داشته باشد، را به هیچ می گرفت.

برای زلزله زدگان بویین زهرا به گدایی به نزد مردم رفت. کوچه به کوچه پای پیاده رفت تا برای کشاورزان محروم بویین زهرا پاپوشی و تن پوشی فراهم آورد. و مردم دست پهلوان خود را خالی نگذاشتند.

درجایی که عوامل شاه و ساواک کالاهای ارسالی را بالا می کشیدند و پنهان می فروختند، تختی خود به میان زلزله زده ها رفت و خوراک و پوشاک پخش کرد.

این رفتار مردم دارانه به قدرت زمانه خوش نمی آمد و برخوردارنده بود. برای تختی شاه و گدا یکی بود و برایش فرقی نداشتند. مردم این رفتار انسانی را پذیرا بوده و برایش بیش از شاه و شاهزاده احترام قایل بودند.

پهلوی وقتی دانست که او به اسطوره ای تبدیل شده است، برای شکستن این اسطوره به او تهمت زد که با همسرش مرافعه کرده و دست به خودکشی زده است. غافل از آنکه آنانی که او را شکنجه کرده بودند و با لباس خونی به منزل رفتند، لباس هایشان را خدمتکارانی که دل در گرو تختی داشتند، می شستند و هم آنان خبر آوردند که تختی زیر شکنجه تیمساران شاه کشته شده است.

تختی و حسین فکری، پرویز قلیچ خانی ها رفتند.

امروز چقدر دلمان برای رفتار تختی تنگ شده است.

آنان که دو بنده تختی را نشان کردند در شورای شهر برای بدهکاران شهرداری شاخ و شانه می کشند. آن دیگری به فساد متهم شده است و در این میان دو بنده پوشان دغدغه مردم نداشته و از مرام تختی سایه ای را هم با خود به دنبال ندارند.

دوبنده پوشان وارد شده در شورای شهر چکاری برای مردم انجام داده اند؟ دیگر ورزشکارانی که در شورای شهر رحل اقامت افکنده اند، چه کرده اند؟

به نظر خوانندگان اگر تختی در شورای شهر بود، گور خوابی هم در شهر پیدا می شد؟ کارتن خوابی در سرما می ماند؟ کودک کاری در سر خیابانها گل می فروخت؟

اطمینان دارم که تختی شاید حریف مشکلات نمی شد، اما زبان گویای مردمش می شد. او مدل تبلیغاتی برای فروش خانه به هموطنانش در دبی و استانبول نمی شد.

بی تردید تختی در هیچ فیلمی هم بازی نمی کرد و به وظایف نماینده گی اش در شورای شهر اهتمام می ورزید.

شک ندارم که وظایف نماینده گی مردم را با مربیگری و سرپرستی و ریاست فدراسیون هم عوض نمی کرد.

بی شک تختی برای همشهریانش قابل دسترسی تر از این نمایندگان شورای شهر می شد.

امیدوارم کسی بیاید و اسطوره تختی را باز هم زمینی کند و مردم لمس کنند که تختی از چه جنسی بود.

تختی انسان بود. مانند همه ما مشکلات داشت. خرج خانه داشت، مریض می شد، خانواده اش را دوست می داشت و همانند ما می خورد و می خوابید. او زمینی بود. تنها تمایز او با دیگران نگران مشکلات مردم سرزمینش بود. او آنها را بی دریغ و بی واسطه دوست داشت و مشکلات آنان را مشکلات خود می دانست. و از هیچ کوششی فرو گذار نبود. برای جوانی کار جور می کرد، دست زن شوی مرده ای را می گرفت، کودک یتیمی را پشتیبانی مالی می کرد، دختر جوانی را به خانه بخت می فرستاد.

راستی با کدام پول او این همه کار را انجام می داد؟ مگر تختی چقدر حقوق می گرفت؟ او درآمد آنچنانی نداشت اما به دلیل خوش خلقی و انسان دوستیش اعتباری به اندازه تمام شورای شهر تهران و میلیادر هایش داشت.

مردم پهلوان خود را با صداقت هرچه تمامتر هنوز هم عاشقانه می ستایند.

مازیار گیلانی نژاد ۱۷ دیماه ۱۳۹۵

ارزش یک احساس به شدت آن نیست،
به مدت آن است ...



کار دیگری نداریم من و خورشید
برای دوست داشتنت بیدار می شویم
هر صبح!

احمد شاملو

فصل سرد در کارخانه خودروسازی فولکس و مبارزه کارگران

به ما کارگران می‌گویند که دوران راحتی و آسایش در این کارخانه به سر رسیده است، وقت آن است که در این فصل سرد لباس گرم به تن کنید! ما کارگران در جواب می‌گوییم: نه، ما انسانیم و خواهان تضمین امنیت شغلی هستیم!

مسئله مهم پیشرفت و توسعه در ادامه روند کار در این کارخانه است.



دیگر همگان از این مطلب آگاهی دارند، که پس از افتضاحی که در نتیجه دست کاری خودروها برای پایین نشان دادن مصرف دیزل و پایین بودن مقدار آلاینده آن در این کارخانه بوجود آمد، این کارخانه را به پرداخت جریمه و مالیات‌های سنگین وا داشت و با بحران مالی بزرگی روبرو ساخت. پس از این افتضاح و خسارت‌های مالی وارد شده، قصد مدیران و صاحبان کارخانه به منظور غلبه بر این بحران مالی، همانطور که در نظام سرمایه‌داری مرسوم

است، دستبرد به جیب کارگران و پرداخت این خسارت با دستمزد کارگران است.

در مرحله نخست این هجوم به حقوق کارگران، اول به سراغ کارگران پیمانی آمدند [کارگرانی با قراردادهای موقت] و پس از آن نوبت به کارگران رسمی خواهد رسید. هدف نهایی از این ضربه‌ها به زیر پا گذاشتن پیمان‌های دسته جمعی و از میان برداشتن هرگونه تضمین و امنیت شغلی برای کارگران است.

در گردهمایی کارگران که با حضور مدیران این کارخانه در شهرهای برانشوایگ و ولفسبورگ برگزار گردید، آقایان ویتز و مولر به ذکر کمبودها و نواقص در این کارخانه پرداختند و بیان کردند که افزایش هزینه‌ها و کاهش تولیدات از یکطرف و رقابت سنگین با شرکت‌های سازنده خودرو از طرف دیگر، شرکت را وادار به اخراج ۱۰ درصد از کارگران از بخش‌های مختلف کرده است. در تایید این سیاست، آقای بلسینگ، مسول ارتباطات با کارگران و کارمندان تأکید کرد که اقدام به اخراج ۱۰ درصد از کارگران یک ضرورت فوری و عاجل است! و کنسرن ما، بدون استخدام پرسنل جدید، از این کارگران اخراج شده در زمان افزایش تولید و برحسب لزوم استفاده خواهد کرد! سؤال اساسی این جا است که ما باز هم در کجاها می‌توانیم صرفه‌جویی کنیم تا شیوه تولید را به روز درآوریم و خودروهای بدون سرنشین و یا برقی تولید کنیم.

برای فشار بیشتر به کارگران و قانع نمودن کارگران به اخراج، ادعا می‌شود که باید بخشی از نیازهای این کارخانه از جاهای دیگر خریداری بشود، در صورتی که سرمایه‌ای به این منظور وجود ندارد و از ورود کالاهای جدید هم خبری نیست. مدیران کارخانه جهت صرفه‌جویی بیشتر تصمیم گرفته‌اند تا نهادهای آموزشی را هم از میان بردارند و از هر اقدامی در جهت کاهش نیروی کار و اخراج کارگران استقبال می‌کنند. متأسفانه این روند نه تنها برای شهر برانشوایگ، بلکه برای شهرهای کاسل، سالزگیتز و ولفسبورگ نیز اجرا می‌شود، با این ادعا که متقاضی خرید دیفرانسیل و موتور دیزل کاهش پیدا کرده است.

بسته پیشنهادی ما کارگران در راستای حفظ و پایداری محل کارمان و جلوگیری از نابودی فرصت‌های شغلی و همچنین تضمین امنیت شغلی کاملاً روشن و واضح است: باید مشخص شود که چه محصولی و به چه مقداری و در کدام بخش قرار است تولید بشود و مدیران کارخانه موظف هستند دستمزد کارگران را مطابق پیمان دسته جمعی پرداخت کنند.

خواست ما تضمین امنیت شغلی است. این وظیفه مدیران و مسوولان این کارخانه است که پس از افتضاح به وجود آمده در رابطه با خودروهای دیزلی، بار پرداخت هزینه‌ها را با دریافتی‌های کلان خود بر دوش بکشند.

یک موضوع مهمی را که نباید فراموش کرد آن است که منبع قدرت و توانایی نماینده کارگران در مذاکرات با کارفرما ناشی از حمایت‌ها و هم صدایی همه کارگران و به خصوص کارگران شهر نیوکاسل است.

لازم است که در این روند پاک‌سازی و اخراج کارگران، به نقش مخرب سهام دارن و رقیبان هم نیز اشاره‌ای بکنیم؛ برای این سهام دارن حضور ما کارگران تا زمانی که همراه با انباشت سرمایه باشد معنا پیدا می‌کند. ولی ما کارگران چیز دیگری را می‌خواهیم:

سود متناسب به همراه تضمین امنیت شغلی و جلوگیری از نابودی کارخانه و صنایع!

اجرای این سیاست و چشم پوشی از سودهای کلان برای آنها کاری است سخت و دشوار! ما در برابر برنامه‌های آنها که در صددند تا پیمان‌های دسته جمعی را به زیر پا بگذارند و یا سهل و آسان کارگران را به دلخواه خود اخراج کنند، شرایط کاری و اجتماعی را وخیم تر کنند، کاهش استاندارد ایمنی کار و همچنین کاهش دستمزدها را به قصد سود بیشتر عملی کنند با قاطعیت و بدون هیچگونه یأس و تردید به مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

دزدان واقعی و خیانت کاران به این سرزمین را بهتر بشناسیم!

اگر اختلاس های انجام شده در طی ۸ سال اخیر را که موجب از بین رفتن شغل شده اند و یا می توانست ایجاد شود را محاسبه کنیم، با توجه به آمار بانک مرکزی که اعلام کرده با هر ۱۰ میلیارد تومان می توان یک شغل ایجاد کرد به نتیجه زیر می رسیم. اختلاسها به تومان:

پدیده شانديز ۹۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

بابک زنجانی ۸۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

فساد بانکی ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

منصور آریا ۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

دانشگاه ایرانیان ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

تامین اجتماعی ۳۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

صادق محصولی ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

معاون بانک مرکزی ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

رحیمی معاون اول ۱۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

بنیاد شهید ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

البته اونایی که تا الان ثابت شده و دادگستری اعلام کرده

مجموع: ۱۹۹,۳۹۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

اگر ده تا صفر رو از این مبلغ کم کنیم به عددی که این افراد باعث بیکاری فرزندان این سرزمین شده اند دست خواهیم یافت

۱۹۹۳۹۰۰۰ یعنی ۱۹ میلیون ۹۳۹ هزار شغل را اینان با کمک خیانت کاران در عرصه بانکی مالی از بین برده اند.

نظری بر برنامه ششم توسعه

"معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی گفت: ،براساس ششمین برنامه توسعه کشور که در مرحله تدوین قرار دارد، جذب ۱۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی برای بخش معدن و صنایع معدنی پیش‌بینی شده است.، این مقام مسئول تأکید کرد: ،حضور فعال و پررنگ بخش خصوصی کشور در عرصه معادن و صنایع معدنی اهمیت بسزایی دارد زیرا موفقیت آن‌ها می‌تواند به‌منزله عاملی برای جلب و جذب سرمایه‌گذاران خارجی به‌صورت مستقل و یا مشترک شود. شناسایی نوع استفاده از منابع مالی خارجی برحسب بخش‌های مختلف، با یکدیگر تفاوت دارد.، وی بهره‌گیری از روش بای‌بک، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مستقل یا مشترک و نیز بهره‌گیری از سرمایه‌گذاران داخلی را به‌عنوان گزینه‌های مطلوب در بخش صنعت، معدن و تجارت معرفی کرد

تعجب برانگیز برای سندیکاهای کارگری این است که، باوجودی که "برنامه ششم توسعه" هنوز به‌تصویب نرسیده است ، بیش از دو سال است که تمام دستگاه‌های اجرایی کشور با برگزاری انواع نمایشگاه‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها و جز این‌ها، به جذب سرمایه‌های خارجی بسیج شده‌اند، چندان‌که گویی این دستگاه‌ها جز تلاش برای جذب سرمایه و سرمایه‌گذار خارجی کار دیگری ندارند. کافی است نگاهی به پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ازجمله سازمان‌های بنادر و مناطق "آزاد" تجاری و مناطق "ویژه" نگاهی بیفکنیم تا حجم این فعالیت‌ها را ببینیم. اما، این هنوز بخش پیدای کوه یخ است، بخش بزرگ‌تر و ناپیدای آن مذاکرات گسترده با شرکت‌ها و تراست‌های فراملی امپریالیستی با واسطه‌گری بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و نهادهایی نظیر آن‌هاست که از مدت‌ها پیش آغاز شده‌اند .

واقعن چه بر سر اقتصاد و ثروت ما می‌خواهند بیاورند؟؟؟

فروش ارزان کلیه یک جوان، پیرمرد آمریکایی را به ایران کشاند!

وجود بازار خرید و فروش کلیه که قیمتش را مرگ تعیین می‌کند موجب شده نام ایران پر آوازه گردد!!! آوازه آگهی‌های «فروش فوری کلیه» مردم ایران بال و پر گشوده و به نقاط مختلف دنیا هم رسیده است! کلیه فروشی، بچه فروشی، قرنیه چشم فروشی، مغز استخوان فروشی، فروش اندامهای بدن!!!

اینجا کشور زامبی‌ها نیست اما مردم به نوعی اعضای بدن خودشان را برای زنده ماندن می‌خورند! فقرا علاوه بر خوردن گوشت کلاغ مرده علاوه بر بچه فروشی، جنین فروشی و اینقدر محتاجند و نیازمند که به ارزانتترین قیمت اندام خود را می‌فروشند تا نان به دست بیاورند! اینجا مملکتی است بر روی دریایی از ثروت اما خبرهای فروش اندامهای مردم ایران به آن سوی مرزها هم رسیده است.

هفته اول آبان موج پیوند پرحاشیه پیرمرد ۷۸ ساله مقیم امریکا در یکی از بیمارستان‌های دولتی تهران به رسانه‌های آمریکایی هم رسید. خبر این بود: «مردی ۷۸ ساله با پرداخت ۷ هزار دلار به جوان ۲۳ ساله ایرانی در این کشور پیوند کلیه انجام داده و با وضع جسمانی بسیار بدی بعد از پیوند کلیه به امریکا مراجعه کرده است».

کمی بعد از اعلام این خبر پروفیسور «گابریل دانویج» استاد دانشگاه «یوسی ال ای» امریکا به رئیس انجمن پیوند اعضای خاورمیانه نامه نوشت و نسبت به این گونه پیوندها اعتراض کرد. او گفته بود: «وضعیت خرید و فروش کلیه در ایران ناپسامان است و اینکه چرا این پیرمرد از فرزندانش کلیه نگرفته است؟»

در ادامه دکتر «علی ملک حسینی» رئیس انجمن پیوند خاورمیانه هم در واکنش به این نامه اعلام کرد: «خرید و فروش کلیه با افراد غریبه کاری کثیف و غیرانسانی است و حتا در کشورهایی مانند هند و پاکستان هم ممنوع شده است»

او این را هم گفته بود که در بین هزاران نفر فروشنده کلیه در کشور، یک نفر ثروتمند هم نبوده بلکه همگی افراد فقیری بودند که از فشار فقر و از سر ناچاری کلیه‌شان را فروخته‌اند و بی تردید اهدای کلیه نکرده‌اند. مسوولان باید هرچه سریعتر به فکر چاره‌ای اساسی برای حل این مشکلات که با آبروی کشور ارتباط مستقیمی دارد، باشند.

انطورکه پیرمرد ۷۸ ساله‌ای ایرانی مقیم امریکا در مصاحبه با رسانه‌های آمریکایی اعلام کرده، وی در امریکا به دنبال پیوند کلیه بوده و پزشکان آنجا به وی گفته بودند یا باید در فهرست انتظار پیوند کلیه از مرگ مغزی بماند و یا اینکه از یکی از دو فرزند پسرش کلیه بگیرد، اما وی راه سومی را انتخاب کرده است. او همچنین در مصاحبه‌اش از جوانانی که در ایران از سر فقر و ناچاری صف کشیده بودند تا به وی کلیه دهند سخن گفته است.

اشتغال زنان

وقتی کارمی کنیم یعنی این که ما برای جامعه و خودمان فرد مفیدی هستیم . چگونه می توانیم به جامعه تعلق داشته باشیم وقتی که نقشی درکار اجتماعی نداریم ؟ این نقش درجامعه باید برای همه ی احاد جامعه اعم از زن و مرد وجود داشته باشد و به رسمیت شناخته شود. مردها با همه ی بیکاری که درجامعه وجود دارد ، این احساس را دارند که جامعه عمدتن با کارآن ها می چرخد. شاید یکی از علت هایی که زنان را وادارمی کند که درکار اجتماعی و داشتن شغل مناسب و ارضا کننده ی نیازهای شان شرکت داشته باشند ، همین است. زنانی که در پیدا کردن کار و شغل بیرون از خانه، فرصت مساوی با مردان ندارند، خواه ناخواه به این سمت رانده می شوند که گویا نقشی در اداره ی جامعه ندارند. همچنان که زنانی که در خانه کارمی کنند این گونه به آن ها تلقین می شود که با مرد خانه مساوی نیستند چون درآمدی ندارند و انگار که نانخور مردند! درنتیجه نمی توانند مانند مرد در زمینه ی زندگی خانوادگی تصمیم بگیرند. بنابراین زنان کارگر و یا کارمند و به طور کلی زنان شاغل به علت مزدی که دریافت می کنند از استقلال مالی برخوردارند و می توانند جایگاه و موقعیت برابرتری با مردان درخانه و در جامعه بدست آورند و در تصمیم گیری ها نقش و اثر و مشارکت بیشتری داشته باشند. هرچه موقعیت زنان در خانه و هرچه میزان مشارکت آنان در تصمیم گیری ها بالاتر برود و به نقطه ی برابر با مرد نزدیک تر شوند ، خشونت های خانگی علیه زنان کاهش پیدا می کند. ازاین واقعیت ، این نتیجه را می توان گرفت که اگر می خواهیم حقوق زنان به برابری باحقوق مردان نزدیک شود و بخش زیادی از فشارها و خشونت ها علیه زنان کاسته شود ، اداره ی جامعه باید به سمت و سوی برود که فرصت های شغلی فقط به مردان اختصاص داده نشود بلکه شغل ها و فرصت های شغلی و کسب و کار به میزانی که برای مردان درنظرگرفته می شود، برای زنان هم منظورشود. این روش ، بسیار کاربردی تر از روش هایی است که دولت ها سعی می کنند از راه قوانین و مقررات و اصول اخلاقی و فلسفی و به قول خودشان آسیب شناسانه درپیش بگیرند تا به خیال خود بتوانند آسیب های اجتماعی علیه زنان را کم کنند و ناسازگاری ها و طلاق ها و فروپاشی کانون خانواده را به

کمترین حد ممکن برسانند. مطالب بالا را این گونه می توان جمع بندی کرد که یکی از دلایل عمده ی نابرابر دانستن زنان با مردان در ایجاد اشتغال در این است که زنان به استقلال مالی و اقتصادی نرسند زیرا اگر زنان به موقعیت های برابر با مردان دست یابند، دیگر مردان نمی توانند زنان را از حقوق فردی و اجتماعی شان محروم کنند. یکی از راه های رسیدن به برابری زنان با مردان، ایجاد فرصت های برابر اشتغال برای زنان و مردان است. این موضوع، به ظاهر ساده است ولی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. بنابراین قانون گزاران و مدیران و جامعه شناسان سعی می کنند این موضوع را پیچیده نشان بدهند تا بتوانند وضع موجود را به نفع خود حفظ نمایند. اما زنان امروز، دانسته این وضع را به چالش کشیده اند.



دختر جوان دستفروش در حاشیه ی پهن میدان ولیعصر عروسک های دست ساز خود را می فروشد .
نیروهای سدمعبر وسایل معاش او را با خود می برند

خب واقعا این دختر چیکار باید بکند؟؟؟

بعد آمار می دهند که فحشا رو به افزایش است!!!



هوا بس ناجوانمردانه سرد است. کارگران بیکار، کارگرانی را که ماههاست حقوق نگرفته اند، زنانی که شوی خود را از دست داده اند، فرزندان بی پناه و بی سرپرست، زنان سرپرست خانوار، کودکان کار، معتادین و کارگران جنسی قربانی سیستم سرمایه داری، را یاری کنیم!

در این هوای سرد بی خانمان ها، کارتن خواب ها، معتادین، کارگران جنسی به سرپناهی احتیاج دارند تا هم از سوز نابرابری های اجتماعی که آنان را به این وزرطه کشانده و هم از سرمای سرد زمستانی در امان بمانند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک خواهان بازگشایی تمامی مساجد به روی همه بی خانمانان است.



بعضی از کودکان زود پیر می شوند
 و آنقدر بدهکار هفت سالگی شان باقی می مانند
 که هر وقت کنار ویتترین مغازه ای می خواهند به عروسی سلام کنند
 گریه شان می گیرد !

یگانه! چرا اینجا کار می‌کنی؟

پدرم پایش درد می‌کند هر وقت کیسه‌های سیمان را بلند می‌کند اذیت می‌شود و شب‌ها از شدت درد خوابش نمی‌برد. من زور ندارم، اما کمکش می‌کنم که کمتر اذیت شود.

